مدیریت واردات

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

مدیریت واردات

نویسنده:

www.modiryar.com

ناشر چاپی:

www.modiryar.com

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مدیریت واردات

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور:مدیریت واردات / www.modiryar.com

ناشر :www.modiryar.com

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه , رایانه

موضوع:مدیریت - واردات

مدیریت واردات، توسعه صادرات

دنیای اقتصاد

«واردات»، «صادرات»، «تولید صادرات محور»، «مدیریت واردات» و «بازار صادراتی» اینها کلیدواژه‌های بیانات اقتصادی مقام معظم رهبری در چندماه اخیر است که به صورت عمومی‌در دو سخنرانی؛ یکی در جریان بازدید از شرکت‌ایران خودرو و دیگری در جمع کارگزاران و مدیران نظام از ایشان شنیده‌ایم.نخستین بار در روزهای آغازین سال بود که ایشان از توانمندی‌های صنعت خودروی کشور بازدید و آنجا بر «تولید صادرات محور» تاکید کردند. ایشان فرمودند «همه بخش‌های صنعتی باید محصولات خود را با محوریت صادرات تولید کنند و دستگاه‌های مختلف دولتی نیز باید با تلاش چندجانبه و هنرمندانه، بازار صادراتی را تامین کنند.»ایشان چندماه بعد؛ یعنی در ۲۷ مرداد ماه در جمع مدیران و کارگزاران نظام، جمله تازه‌ای مطرح کردند با این عنوان که «من نسبت به مساله مدیریت واردات به دولتی‌ها سفارش کردم؛ الان هم تاکید می‌کنم. من نمی‌گویم واردات متوقف بشود؛ چون یک جاهایی لازم است که واردات انجام بگیرد؛ اما واردات باید مدیریت بشود.» در روزهای آغازین سال، بیانات رهبر انقلاب و تاکید ایشان بر «تولید صادرات محور» خون تازه‌ای در حوزه بازرگانی کشور جاری ساخت و کلیه فعالان این حوزه را امیدوار ساخت به این جهت که سرانجام پس از سال‌ها استیلای تفکرات نزدیک به سیاست «جایگزینی واردات» و استیلای نگاه دولتی و درون‌نگر در حوزه بازرگانی، ارشدترین مقام نظام توصیه به تغییر بینش و برون‌نگری در حوزه بازرگانی و تجارت خارجی دادند و به گفته اقتصاددانان، «پارادایم» تازه و الگویی راهگشا پیش‌پای بازرگانی کشور نهادند. البته همین گونه بود و رهنمودهای رهبری معظم پس از ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴، بسیار کلیدی و مهم تلقی شد. به همین دلیل از سوی فعالان‌این حوزه، تکاپو و تلاش مضاعفی صورت گرفت تا بیانات مقام معظم رهبری در مورد تولید صادرات‌محور، نه فقط در اظهارنظرهای تئوریک و یادداشت‌های رسانه‌ای که در تدوین برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها هم پررنگ و قابل توجه باشد.مدت زمان زیادی نگذشت که دوباره ایشان در مورد «مدیریت واردات» اظهارنظر فرمودند و به شکلی که همه در جریان جزئیات آن قرار دارند، براین نکته تاکید کردند که باید تهدیدهای تحریم را به فرصت تبدیل کرد و این گونه بود که بحث «مدیریت واردات» را هم مطرح کردند.اکنون این پرسش مطرح است که منظور مقام معظم رهبری از طرح موضوع «تولید صادرات محور» که اشاره مستقیمی به نظریه «توسعه صادرات» است، چه بود و چه ارتباطی میان آن بیانات با رهنمودهای تازه‌ایشان در مورد «تقویت تولید ملی» و «مدیریت واردات» وجود دارد؟به اعتقاد نگارنده، هر دو سخن رهبر معظم انقلاب در راستای هم قرار دارد و تکمیل‌کننده هم است و این‌گونه نیست که هر سخن معنی و مفهومی‌متمایز داشته باشد. ایشان در برهه‌ای از زمان و در حالی که از یک بنگاه تولیدی بازدید می‌کردند، برتولید صادرات محور تاکید کردند و فرمودند: «همه بخش‌های صنعتی باید محصولات خود را با محور صادرات تولید کنند.» این رهنمود به طور قطع

می‌تواند نسخه امیدبخشی برای اقتصاد ایران در شرایط کنونی باشد وباید آن را همچون ابلاغیه اصل ۴۴، با اهمیت و استراتژیک تلقی کرد. معنی راهبردی فرموده رهبری این بود که صادرات، به‌ویژه صادرات صنعتی، به عنوان موتور محرک اقتصاد قرار گیرد. این همان استراتژی «توسعه صادرات» است که در پنج دهه اخیر رشد و شکوفایی بی‌نظیری برای بسیاری از اقتصادهای جهان به دنبال داشته است.در ۵۰ سال گذشته شاخص تولید ناخالص جهانی و شاخص صادرات کالا نه تنها به موازات یکدیگر حرکت کرده‌اند که نرخ رشد صادرات همواره بیش از نرخ رشد تولید ناخالص (GDP) بوده است؛ یعنی رشد تولید جهانی با رشد بیشتر تجارت جهانی همراه بوده است. به این ترتیب ظرف سال‌های متمادی، سیاست توسعه صادرات، کارآیی و اثربخشی خود را به نمایش گذاشته و به طور کامل منجر به کم رنگ شدن نظریه «جایگزینی واردات» شده است.به طور مثال متوسط نرخ رشد صادرات کالاـ در جهان طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ برابر با ۱۲ درصد بوده و در بعضی از کشورها مانند چین این نسبت به ۲۴ درصد هم رسیده است. همچنین متوسط نرخ رشد صادرات خدمات تجاری طی این دوره ۱۲ درصد بوده که در برخی کشورها از جمله چین به ۲۲ درصد رسیده است. بنابراین آمارها هم به درستی گویای این نکته هستند که برون نگری در سیاست‌های تجاری باید به عنوان پارادایم تجاری مطرح شده و در عین حال سیاست‌های اقتصادی در راستای توسعه صادرات تنظیم شود. باید به خاطر داشته باشیم که ذات جنس صادرات نیاز به نگاه برون‌نگر دارد. درحالی که که نگرش ما به اقتصاد در طول سال‌های گذشته برون‌نگر نبوده است.متاسفانه آنچه در اقتصاد ما شکل گرفته برون‌نگری فرصت کمی‌برای بروز و ظهور در صحنه واقعی اقتصاد پیدا کرده و ذهنیت درون‌گرایی در اقتصاد عمر زیادی از کشور ما را گرفته و تمام آثار و عللی که در حوزه‌های مختلف می‌بینیم، ناشی ازاین درون‌نگری است. تا زمانی که در اقتصاد، جهانی نشویم و ادبیات جهانی، تکنولوژی و فرآیند و سلیقه جهانی در حوزه صادرات و اقتصاد حاکم نشود، نمی‌توانیم به نقطه بهینه‌ای دست یابیم؛ چرا که صادرات؛ یعنی تامین محصول مورد نیاز بازارهای جهانی با سلایقی که خریداران جهانی دارند. باید با ادبیات جهانی کالا تولید کنیم و سلایق، فرآیند و سیستم‌ها و تکنولوژی‌های جهانی را در نظر بگیریم تا بتوانیم در زمینه توسعه صادرات موفق عمل کنیم. به عبارت دیگر شرایط باید به گونه‌ای باشد که با برنامه‌ریزی برای حمایت از تولید داخل با این نگاه که قرار است از این تولید، صادرات صنعتی سرچشمه بگیرد، شرایط را برای رشد و توسعه اقتصادی فراهم کنیم‌مدیریت وارداتاما مدیریت واردات چیست؟ تعریف عام مدیریت واردات این است که فرآیند واردات کالا از برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی نظارت و کنترل که همه این موارد از اصول مدیریت هستند، تبعیت کند. رهبری در بیانات اخیر خود تاکید کرده‌اند که واردات باید مدیریت شود؛ اما مدیریت واردات براساس یک استراتژی تجاری چیست و چگونه باید اعمال شود؟ ماموریت اصلی مدیریت واردات کدام است ؟ نگرش اصلی در تنظیم استراتژی و بیان ماموریت می‌بایست بر مبنای تولید صادرات محور مبتنی بر «نگرش درون زای بیرون‌نگر» استوار باشد. در این صورت ماموریت اصلی مدیریت واردات این گونه تعریف می‌شود «واردات برای تولید در جهت تامین بهینه نیازهای داخلی و صادرات.» با توجه به این تعریف واردات نه تنها مذموم نیست، بلکه همان‌گونه که مقام معظم رهبری فرمودند ضروری هم هست؛ اما واردات در چه شرایطی مذموم است؟ در این مورد دیدگاه اصلی این است که واردات در مواردی که به تولید کشور آسیب می‌زند غیرضروری است.با مختصر مطالعه وضعیت کشورهای موفق در توسعه اقتصادی در رابطه چگونگی و حجم صادرات و واردات و ترکیب کالاهای وارداتی صادراتی مشخص می‌شود یکی از عوامل موفقیتاین کشورها مدیریت صحیح (تولید، صادرات و واردات) بوده است بنابراین ضروری است که با تدوین بسته‌های سیاستی، هم مدیریت مطلوبی بر واردات داشته باشیم وهم تولید و صادرات را در راستای آن قرار دهیم.به طور مثال در سال ۲۰۰۸ سهم کالای واسطه‌ای و نیم ساخته بدون احتساب نفت و مواد سوختی ۴۰ درصد از کل صادرات جهانی است و این رقم در چین و مالزی و تایوان (۵۰ تا–۷۰درصد) بوده است. در نقطه مقابل سهم صادرات سوخت و محصولات معدنی به کل صادرات در سال ۲۰۰۷ ایران ۸۷ درصد ترکیه ۱۰ درصد، مالزی ۸/۱۵ درصد و کره ۹ درصد بوده است؛ بنابراین، آنچه

اهمیت دارد، ترکیب واردات و صادرات است نه فقط حجم واردات. اگر واردات منجر به افزایش تولید و افزایش صادرات شود که مفهوم آن افزایش اشتغال و نشاط و توان اقتصادی و توان رقابت و حضور در صحنه‌های بین‌المللی است، باید از آن استقبال کرد. حال با توجه به هدف و ماموریت بیان شده در چارچوب نگرش «واردات برای تولید در جهت صادرات» با استفاده از روش sowt وspace، موقعیت و استراتژی کشور را مشخص کنیم و به صورت جامع، سیاست‌هایی در قالب برنامه‌های کوتاه مدت میان‌مدت و بلند مدت در امر تولید واردات و صادرات مشخص و به اجرا بگذاریم. دراینجا نقش اساسی وزارت بازرگانی به عنوان نقش مهم حاکمیتی در بخش اقتصاد (در سیاست‌گذاری – هدایت و نظارت و پشتیبانی) مشخص می‌شود که جایگاه آن در توسعه اقتصادی اصلی و محوری است بنابراین، همان‌گونه که مقام معظم رهبری فرمودند که مجلس و سایر بخش‌های دولت و بخش‌های عمومی‌و خصوصی می‌بایست یارشاطر وهمیار دولت بوده و وزارت بازرگانی را در انجام این ماموریت مهم به ویژه در شرایط خاص منطقه‌ای و جهانی مساعدت کنند و همان‌گونه که برخی از دلسوزان عرصه بازرگانی گفته‌اند، باید وزارت بازرگانی را از درگیری با مسائل حاشیه‌ای و زودگذر دور کرد تا به ماموریت اصلی‌اش که همان تعریف و تدوین پارادایم جدید بازرگانی براساس اقتضائات زمانی است، بپرازد.مدیریت واردات برای توسعه صادراتآمارها نشان می‌دهد سهم کالاهای واسطه‌ای در تجارت کالا بدون سوخت (بدون نفت وسایر سوخت‌ها) در سطح جهان در سال ۲۰۰۸ حدود ۴۰ درصد و در اقتصاد کشورهایی نظیر چین مالزی و تایوان بین ۵۰ تا ۷۰درصد بوده است؛ یعنی بین نصف تا دو سوم تجارت خارجی این کشورها در سال مورد گزارش کالاهای نیمه ساخته و واسطه‌ای بوده است. روی دیگر این سخن این است که کشورها، واردات را به‌گونه‌ای مدیریت می‌کنند که در راستای توسعه صادرات باشد. ورود کالاهای واسطه‌ای و کالاهای نیمه‌ساخته بخشی از همین سیاست است؛ یعنی الگوی تازه‌ای در حال شکل‌گیری است که حتی فراتر از سیاست توسعه صادرات عمل می‌کند؛ به گونه‌ای که این سیاست در حال جایگزین شدن به جای سیاست توسعه صادرات است. این سیاست از طریق ایجاد شبکه‌های همکاری جهانی برای تولید، تقسیم کار جهانی را از «محصول» به «فرآیند تولید محصول» تبدیل کرده است. باکاسته شدن موانع طبیعی ومصنوعی مبادلات اقتصادی درجهان زمینه‌های لازم برای دگرگونی فرآیند تولید و آرایش نوین صنعتی و شکل‌گیری زنجیره‌ها و شبکه‌های تولید فراهم شده و مناسبات درون بنگاهی نقش و سهم عمده‌ای یافته است و همکاری‌های متقابل در اقتصاد جهانی در حوزه فن‌آوری طراحی محصول شیوه‌های تولید سازماندهی و بازاریابی تقویت شده است. در نظام جدید اقتصاد جهان، سرمایه‌گذاری (داخلی و خارجی)، انتقال تکنولوژی و صادرات (به طور کلی تجارت) به عنوان سه عنصر اصلی توسعه اقتصادی ماهیت مستقل خود را ازدست داده‌اند؛ اما با یکدیگر پیوندی عمیق یافته‌اند در این میان، رشد صادرات عموما با ارتقای فن‌آوری و حرکت به سوی تولید و صدور محصولات پیچیده‌تر و با فن‌آوری بیشتر و افزایش کیفیت و کارآیی فعالیت‌های اقتصادی و صادراتی موجود همراه بوده است.اینکه امسال رهنمودهای مقام معظم رهبری بیشتر معطوف به واردات و صادرات است و بیانات ایشان حوزه بازرگانی و تجارت خارجی را دربرمی‌گیرد باید به فال نیک گرفت؛ چه آن که بیانات ایشان، مصداق دقیق تحولی عمیق در اقتصاد ایران است و می‌طلبد که دولت، بخش خصوصی، مجلس و دانشگاه‌ها، برای جایگزینی نظامی جدید و برای تغییر الگو و پارادایم تازه در بازرگانی خارجی ایران تلاش کنند.منبع: دنیای اقتصاد

مدیریت واردات؛ پرهیز از افراط و تفریط

محمدمهدی راسخ*

به‌نظر می‌رسد برخی در ارتباط با ضرورت مدیریت بر واردات دچار افراط و تفریط شده‌اند از این‌رو ضرورت دارد با پرهیز از افراط و تفریط نسبت به مدیریت واردات براساس یک استراتژی روشن و شفاف تجاری اقدام کرد. این استراتژی می‌تواند و باید بر محور

واردات بر مبنای توسعه صادرات باشد.واقعیت این است که امروزه هر کشوری نیاز به واردات دارد و در دنیای امروز هیچ کشوری نمی‌تواند تمام نیازهایش را از تولید داخل تامین کند.اتفاقا بزرگ‌ترین صادرکنندگان کالا خود از واردکننده‌های بزرگ هستند که نمونه آن ایالات متحده آمریکاست که در عین صادرات زیاد، خود بزرگ‌ترین واردکننده نیز هست.برای مدیریت واردات باید راهکارهایی مناسب جهت تقویت و جهش اقتصاد کشور اندیشید. باید به این موضوع توجه شود که وضع محدودیت‌های مختلف که بیشتر سلیقه‌ای است تا منطقی، نگرش کوتاه مدت برای مدیریت واردات و سرگردان کردن بازرگانان و تاجران در وضعیت کنونی را به همراه دارد؛به‌ویژه اینکه اقتصاد ایران در اثر پیامدهای ناشی از رکود اقتصادی جهان و تحریم‌های ناعادلانه علیه کشور باید به‌گونه‌ای تقویت شود که تنگناهای جدی را ایجاد نکند و از این‌رو وضع محدودیت‌های سلیقه‌ای به جای منطقی، نه‌تنها به مدیریت واردات نخواهد انجامید بلکه زمینه ورود غیرقانونی همین کالاها و اشاعه اقتصاد زیرزمینی را در پی خواهد داشت.نگاهی به پیشینه عرصه تجاری ایران نشان می‌دهد که متأسفانه در بیشتر مواقع در امر مدیریت واردات افراط و تفریط شده است و به نوعی یا گرفتار خشکسالی شده یا سیلاب.از این‌رو زمانی مدیریت واردات به حجم عظیم ورودی کالاهای مصرفی می‌رسد و زمانی دیگر واردات ممنوع می‌شود و فعالان عرصه تجارت برای واردکردن یک کالای مورد نیاز مردم گرفتار چندین و چند مجوز رنگین و سنگین از نهادها و وزارتخانه‌های مختلف می‌شوند.از این منظر بهتر است برای مدیریت بهینه واردات و تقویت صادرات، تولیدکنندگان را زیر چتر حمایت قرار داد و واردات کالاهای مصرفی در حد نیاز باید صورت بگیرد اما واردات کالاهای سرمایه‌ای که در سال‌های آتی به تقویت صادرات کمک خواهد کرد، نباید دچار محدودیت شود. همچنین با توجه به‌وجود بازارهای هدف در کنار مرزهای کشور نظیر عراق، افغانستان و کشورهای آسیای میانه که خود توانایی تولید پایینی دارند،کشور ما می‌تواند نقش تعیین‌کننده در توسعه صادرات به این بازارها را داشته باشد و بخشی از واردات را برای صادرات مجدد همان کالاها اختصاص دهد. در این صورت علاوه بر عواید ناشی از ترانزیت و توزیع کالا عملا نه در بازار داخل مشکلی ایجاد می‌شود و نه تراز تجاری کشور دچار عوارض وارداتی خواهد شد.مسئله مهم دیگر اینکه برای مدیریت واردات باید به این نکته دقت کرد که محدودیت‌های بیش از حد در واردات، پتانسیل‌های بالفعل در حوزه تجارت را به پتانسیل‌های بالقوه پنهان تبدیل می‌کند. این مسئله آثار خود را در جایی به جز اقتصاد آشکار و بازار آزاد نشان خواهد داد. شکل‌گیری اقتصاد زیرزمینی و قاچاق کالا یکی از تبعات محدودیت‌های نادرست است که تاکنون به اقتصاد کشور ضربات بسیاری وارد آورده است.نتیجه اینکه بستن دروازه‌های تجارت ناشی از افراط و تفریط در تصمیم‌گیری ثمر بخش نخواهد بود و شایسته است دولت در بازتعریف سیاست‌های تجاری خود مبتنی بر مدیریت واردات، به رونق تجارت و توسعه صادرات به‌ویژه صادرات مجدد به بازارهای هدف توجه نشان دهد. * دبیرکل اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهرانهمشهری

واردات بی‌رویه قطعات بی‌کیفیت چینی

همشهری

اقتصاد > تجارت خارجی - واردات قطعات بی‌کیفیت چینی به کشور با هدایت برخی باندهای بانفوذ صورت می‌گیرد. ۲ قطعه‌ساز داخلی صاحب سهام در برخی خودروسازان از سلسله‌جنبانان اصلی این باندها هستند. به گزارش ایسنا، با وجود تأکید مسئولان وزارت صنایع و معادن و مؤسسه استاندارد درخصوص جلوگیری از واردات قطعات بی‌کیفیت به کشور و همچنین با وجود تأکید و تذکرات مقام معظم رهبری در زمینه ضرورت کنترل واردات کالاهای بی‌کیفیت، ولی ورود قطعات بی‌کیفیت چینی به کشور افزایش یافته است. در این وضعیت چگونگی ورود، توزیع و مصرف این قطعات با وجود مخالفت تمام مسئولان مربوطه هم عجیب به‌نظر رسیده و هم حکایت از نقش باندهای بانفوذ و بعضا خطرناک در واردات این قطعات به کشور دارد. باندی که توانسته با

وجود تمام موانع قانونی این قطعات را وارد کشور کرده و آنها را وارد خطوط تولید برخی خودروسازان کند!تهدید می کننددر زمینه قطعات بی کیفیت چینی، نخستین سؤالی که به ذهن خطور می کند این است که با وجود مخالفت مسئولان مربوطه، چه کسانی و با چه قدرتی این قطعات را وارد کشور می کنند؟ سؤالی که به گفته برخی صنعتگران، پاسخ به آن دشوار و البته شاید خطرناک است. فرهاد بهنیا ـ عضو هیأت مدیره انجمن سازندگان قطعات و مجموعه‌های خودرو ـ در پاسخ به این سؤال که نام و نشان واردکنندگان قطعات بی کیفیت به کشور چیست؟ می گوید: نام و نشان این واردکنندگان دردی را دوا نکرده و از آن سو ممکن است مشکلاتی را نیز به‌دنبال داشته باشد. وی معتقد است که نهادهای مسئول مانند وزارت صنایع و معادن و وزارت بازرگانی باید از قدرت خود در این زمینه استفاده کرده و بر قدرت ناشی از گردش مالی بالای واردات قطعات بی کیفیت چینی غلبه کنند.چنین سخنانی به این معنی است که سود بالای ناشی از واردات قطعات بی کیفیت چینی چنان بالا و مدهوش کننده است که برخی افراد خاص می توانند با استفاده از قدرت ناشی از این پول، این قطعات را وارد کشور کرده و از آن سو برای خاموش کردن اعتراض صنعتگران داخلی و منتقدان به واردات قطعات بی کیفیت، از هر ابزاری از جمله تهدید استفاده کنند! ساسان قربانی- کارشناس صنعت خودرو و قطعه‌سازی- نیز در این زمینه می گوید: مشخص نیست چه مکانیسم‌هایی وجود دارد که به جای حمایت از تولید داخلی، قطعات بی کیفیت چینی به راحتی وارد کشور می‌شود. در مجموع واردات قطعات بی کیفیت چینی به‌وسیله برخی شبکه‌های خاص و بعضا بانفوذ صورت می گیرد.کسی شهامت ندارداما گذشته از نام و نشان واردکنندگان این قطعات که تا حدی شناخته شده‌اند، این سؤال پیش می‌آید که حجم بالای قطعات بی کیفیت چینی چگونه توزیع شده و به چه مصارفی می‌رسند؟ سؤالی که پاسخ آن غیرمنتظره و متحیرکننده است. ایرج یزدان‌بخش، پیشکسوت صنعت قطعه در این زمینه می گوید: درصد کمی از حجم بالای قطعات بی کیفیت چینی وارداتی به کشور وارد بازار لوازم یدکی شده و بخش اعظم آن وارد خطوط تولید خودروسازان می‌شود. این قطعه‌ساز در پاسخ به اینکه کدام خودروسازان از این قطعات استفاده می کنند؟ سکوت کرده و تنها به گفتن باید مشخص شود این حجم بالا ـ از قطعات بی کیفیت چینی به مصارف تولید کدام خودروها می‌رسد و این وظیفه دولت است که به شناسایی و برخورد با این واردکنندگان بپردازد بسنده می کند.گویی قدرت باندهای واردکننده قطعات بی کیفیت چینی در حدی است که قطعه‌سازان رده یک داخلی نیز شهامت و قدرت اشاره به نام آنها، اعتراض به روند موجود و حراست از منافع صنفی خود را از دست داده‌اند.۲ قطعه‌ساز داخلیبا این حال و در چنین شرایطی و پس از آن‌که مشخص شد بخش اعظم قطعات بی کیفیت وارداتی در تولید خودروهای داخلی به مصرف می‌رسند، این سؤال مطرح می‌شود که کدام خودروساز داخلی توانسته برخلاف قوانین مؤسسه استاندارد و همچنین با توجه به مخالفت‌های گسترده وزیر صنایع و معادن با خودروها و قطعات بی کیفیت چینی، از این قطعات برای تولید خودروهای خود استفاده کرده و درواقع اقدام به انعقاد قرارداد با باندهای واردکننده این قطعات برای خرید آنها کند؟این سؤالی است که برخی منابع آگاه تا حدی به پاسخ آن اشاره می کنند. به گفته آنان، یکی از بزرگ‌ترین باندهای واردات قطعات بی کیفیت چینی از سوی دو شرکت قطعه‌ساز داخلی هدایت می‌شود. این دو شرکت خود صاحب سهام برخی از خودروسازان بزرگ داخلی بوده و با استفاده از قدرت و نفوذ خود توانسته‌اند قراردادهای خاص و ویژه‌ای برای فروش قطعه منعقد کنند؛ به گونه‌ای که پس از امضای قرارداد، قطعات بی کیفیت را با قیمت‌های پایینی وارد کرده و در اختیار خودروساز قرار می‌دهند.سودجوییبه هر حال و با توجه به موارد یاد شده چگونگی ادامه حیات باندهای مربوطه نیاز به بررسی‌های بیشتری دارد. به هر حال سازمان‌های نظارتی باید به این پرسش پاسخ دهند که چگونه جان هزاران مصرف کننده خودروهای داخلی فدای منافع چند واردکننده می‌شود تا مردم سوار خودروهایی شوند که برخی قطعات آنها بی کیفیت بوده و در کمترین خسارت، هزینه‌های بهره‌برداری از خودرو را افزایش می‌دهد.

<div class="e>

حمایت از تولید، با ممنوعیت واردات

فرحناز هاشمی

با تصویب قانون افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی و اعلام منع واردات بی‌رویه محصولات از سوی وزارت جهادکشاورزی، فصل تازه‌ای برای تولیدکنندگان کشور گشوده شده است. در نخستین گام، واردات ۴۹ قلم محصول حساس کشاورزی ممنوع و سپس منع واردات ۳۲۳قلم محصول دیگر به وزارت بازرگانی ابلاغ شد. وزیر جهاد کشاورزی گفته است واردات منافعی برای کشور ندارد و تنها برای عده‌ای از واسطه‌ها سودآور است. دست‌اندرکاران و تشکل‌های بخش کشاورزی این اقدام را حرکتی در راستای تقویت تولید و جلوگیری از رانت‌خواری در بخش کشاورزی می‌دانند .ممنوعیت واردات محصولات کشاورزی که اخیرا مورد توجه دولت قرارگرفته، با قانون افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی همراه شده است. این مسئله البته با استقبال مواجه شده است. سیدمحمد علی نیک‌نژاد، سخنگوی مجمع ملی خبرگان بخش کشاورزی می گوید: اگر منع واردات محصولات کشاورزی به موقع انجام شود، تولید در بخش کشاورزی تقویت شده و بهره‌برداران برای جایگزین کردن محصولات موردنیاز کشور چاره‌اندیشی می‌کنند.وی واردات بعضی از محصولات کشاورزی در مقاطعی خاص و موردنیاز برای توسعه کمی و کیفی محصولات را لازم می‌داند و اظهار می‌دارد: این در حالی است که در سال‌های گذشته، واردات محصولات کشاورزی از جمله شیر خشک برای کارخانه‌های لبنی و میوه، بی‌رویه و غیرضروری بوده و به تولیدکنندگان لطمه وارد کرده است.نیک‌نژاد با بیان اینکه میوه‌های وارداتی با ذائقه ایرانی سنخیت ندارد، می‌افزاید: میوه‌های وارداتی به لحاظ قیمت، مورد مصرف دهک‌های بالای جامعه هستند و اغلب در ضیافت‌های قشر مرفه استفاده می‌شوند.وی ادامه می‌دهد: بخشی از واردات محصولات کشاورزی توسط رانت‌خواران انجام شده و وزارت بازرگانی هم برای رفاه مردم، اجازه واردات داده است.با این حال برخی کارشناسان، عدم‌رقابت‌پذیری محصولات کشاورزی داخلی با ممنوعیت ورود محصولات مشابه مطرح کرده و نگرانند که به مرور کیفیت محصولات کاهش یافته یا قیمت‌ها افزایش یابد.نیک‌نژاد در این باره می گوید: مشکل کیفیت محصولات داخلی بیشتر به توزیع و نگهداری آن بر می گردد. بخشی از محصولات به‌علت عدم‌توزیع به‌موقع و نبود سردخانه‌ها و انبارهای استاندارد، ضایع شده یا کیفیت آنها کاهش می‌یابد.وی معتقد است که درصورت افزایش امکانات و سردخانه‌ها و انبارهای مناسب در سطح استان‌ها، محصولات سالم و با قیمت‌های مناسب به دست مصرف کنندگان می‌رسد.سخنگوی مجمع ملی خبرگان بخش کشاورزی در همین حال از دولت می‌خواهد که اعتبارات و امکاناتی خارج از بوروکراسی حاکم بر مدار اقتصاد کشور در اختیار تشکل‌های واقعی قرار دهد تا آنها نیز بتوانند در راستای کمیت و کیفیت محصولات داخلی و اجرای ماده۱۶ قانون افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی مشارکت بیشتری داشته باشند. قانون بهره‌وری، نقطه عطف در تولیدات کشاورزیماده۱۶ قانون افزایش بهره‌وری در زمینه واردات محصولات کشاورزی دارای ۳وجه مهم است. در این ماده به‌منظور جلوگیری از افسار گسیختگی در واردات، کالاهای موردنیاز بخش کشاورزی تعریف و به سهمیه موردنیاز محصولات برای واردات اشاره شده است. همچنین این ماده بر کنترل واردات محصولات تأکید می کند تا در زمان برداشت محصولات داخلی، واردات انجام نشود و بهره‌برداران متضرر نشوند. همچنین براساس ماده۱۶ این قانون، از این پس وزارت بازرگانی موظف است نوع ابزار تعرفه‌ای محصولات کشاورزی را با هماهنگی وزارت جهادکشاورزی تعریف کند. مجموع این موارد به وزارت جهادکشاورزی امکان می‌دهد تا با برنامه‌ریزی‌های دقیق، علاوه بر حمایت از تولیدکنندگان داخلی به ثبات بازار محصولات کشاورزی کمک کند. دست‌اندرکاران و فعالان بخش کشاورزی هم انتظار دارند این قانون پایدار باشد و در مورد همه واردکنندگان اعم از دولتی و غیردولتی یا اشخاص حقیقی اعمال شود.علیرضا بزرگی، مدیرعامل مجمع هماهنگی و حمایتی تشکل‌های کشاورزی کشور، تصویب قانون افزایش بهره‌وری و اقدام سریع وزیر

جهادکشاورزی به‌منظور اجرای ماده۱۶ این قانون را نقطه عطفی در مدیریت بازار محصولات کشاورزی ارزیابی می کند.وی می گوید: تصویب و اجرای این قانون، دور جدیدی برای تولید و تولیدکنندگان بخش کشاورزی است و امیدوارم اهداف این قانون و خودکفایی محصولات تحقق یابد.به باور وی، طی سال‌های اخیر به‌علت نبود مدیریت صحیح بازار و بازاررسانی و صادرات و واردات، ضربه سنگینی به تولیدات و فعالان بخش کشاورزی وارد شده است. بزرگی هر چند واردات را بخشی از پروسه بازار می‌داند، اما اظهار می‌دارد: در مدیریت بازار محصولات کشاورزی، طرف تولیدکننده دیده می‌شود یا مصرف‌کننده، در حالی‌که در نگاه سیستمی به بازار، منافع هر دو طرف در تصمیم‌گیری‌ها مهم است.یکی از اختلاف نظرات بین وزارتخانه‌های بازرگانی و جهادکشاورزی بر سر آمار تولیدات و نیاز داخلی در مورد انواع محصولات کشاورزی است.وزارت بازرگانی براساس آمار خود و با استدلال تأمین ذخایر استراتژیك و گاهی هم تنظیم بازار و كنترل قیمت‌ها اجازه واردات می‌دهد.بزرگی برآورد دقیق از نیازهای واقعی کشور در زمینه محصولات کشاورزی و برنامه‌ریزی مشخص برای واردات و صادرات را با اهمیت می‌خواند و می گوید: برخی به عمد در مدیریت بازار محصولات کشاورزی اخلال ایجاد می کنند که با تهیه آمار درست از میزان تولید، زمان‌بندی مناسب برای واردات و تعیین تعرفه‌های منطقی می‌توان این مشکل را برطرف کرد. وی در عین حال نبود تعرفه‌های منطقی برای واردات محصولات کشاورزی را نتیجه عدم‌مشارکت تشکل‌ها و کارشناسان می‌داند.عیسی جعفری، سخنگوی کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی، توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی را از پیامدهای منع واردات محصولات کشاورزی عنوان می کند.به گفته وی که علت نبود سرمایه‌گذاری لازم در بخش کشاورزی ناشی از عدم‌اطمینان سرمایه‌گذاران از بازگشت سرمایه و نامطمئن بودن از سوددهی فعالیت‌های کشاورزی است. وی معتقد است که سرمایه‌گذاران سنتی در بخش کشاورزی نیز طی این سال‌ها در حال کناره‌گیری و خروج از بخش کشاورزی و رفتن به‌سوی واسطه‌گری بوده‌اند.جعفری در مورد امکان عدم‌رقابت‌پذیری و کاهش کیفیت محصولات داخلی بر اثر منع واردات محصولات کشاورزی چنین می‌گوید: واردات تا زمانی ممنوع می‌شود که تولیدکنندگان داخلی، چارچوب‌ها را رعایت و محصولات با کیفیت و با قیمت مناسب به بازار عرضه کنند، در غیر این صورت وزارت جهادکشاورزی و قانونگذار در این شیوه تجدیدنظر خواهند کرد و واردات برحسب نیاز از سر گرفته می‌شود. همشهری

مدیریت واردات در بوته فراموشی

حمید زمان زاده

●مقدمه: بحث مدیریت واردات، عموما مورد توجه سیاست گذاران اقتصاد کشور و تحلیل گران اقتصادی بوده است، اما به دنبال تاکید رهبر انقلاب اسلامی بر لزوم مدیریت واردات در جمع کارگزاران و مسوولان نظام، بحث مدیریت واردات در کانون توجهات قرار گرفته و سیاست های مختلفی در راستای مدیریت واردات از سوی سیاست گذاران اقتصادی صورت گرفت.در این راستا مسوولان امر، مواضع و سیاست های متنوع و بعضا متضادی را اعلام و اعمال کرده اند که نشان از عدم انسجام در برنامه ریزی هدفمند جهت مدیریت بهینه واردات در اقتصاد ایران دارد. در ابتدای شهریور ماه سال جاری، وزیر بازرگانی از رییس مجلس خواست تا اختیار استفاده از ابزار ممنوعیت واردات را که بر اساس برنامه چهارم توسعه از دولت سلب شده بود، دوباره به دولت بازگرداند. پس از آن سخن از ارائه طرحی دوفوریتی در مجلس برای قانونی کردن مدیریت واردات به میان آمد. به دنبال آن، فهرست های بلندبالا از لیست کالاهای وارداتی ممنوعه منتشر شد.وزارت بازرگانی با سه وزارتخانه کلیدی متولی واردات «نشست ویژه» ترتیب داد، تا فهرست های ممنوعه بعدی به سرعت تهیه و منتشر شوند. در همین رابطه ضرب الاجل هایی نیز به نهادهای دولتی مرتبط با امر واردات داده شد. در این دوره کوتاه و هیجانی، بحث مدیریت واردات در کانون توجه و تصمیم سازی مسوولان ذی ربط قرار داشت و تصمیمات سریعی که عمدتا به ایجاد محدودیت های غیرتعرفه ای بر واردات می انجامید، اتخاذ شد. به دنبال

مجموعه این اقدامات، اعتراض بازرگانان کشور بالا گرفت و اما و اگرهای فراوانی طرح شد.اما این فرجام بحث مدیریت واردات نبود. به مرور و با اوج گرفتن بحث هدفمندسازی یارانه ها، بحث مدیریت واردات و اجرای سیاست های مرتبط با آن در حاشیه قرار گرفت و به دنبال آن نشانه هایی از چرخش در سیاست تجاری پدیدار شد. معاون اول رییس جمهور در نشستی با حضور وزیر بازرگانی و فعالان حوزه بازرگانی، اعلام کرد که دولت هیچ ممنوعیتی را برای واردات به کشور اعمال نمی کند و برخی اتفاق های رخ داده در حوزه واردات، فقط برداشت اشتباه از مدیریت واردات توسط برخی مسوولان وزارت جهاد کشاورزی بود. وی با رد برخی اظهارات مبنی بر اینکه واردات از برخی کشورها ممنوع شده است، خطاب به بازرگانان شرکت کننده در این نشست گفت: اگر می توانید کالاهای مورد نیاز خود را حتی از کشورهای تحریم کننده ایران با قیمت مناسب وارد کنید، هیچ کس نمی تواند مانع شما شود. در نهایت در آخرین تحولات، با موضع گیری رییس دولت در مورد سیاست های وارداتی، چرخش در فرآیند مدیریت واردات وارد فاز عملیاتی شد. وی در جمع مدیران وزارت صنایع به صراحت به انتقاد از باب شدن اصطلاح «ممنوعیت واردات» پرداخت و اظهار داشت: «برخی از مفهوم صادرات و واردات برداشت غلط کرده اند و می گویند ممنوعیت واردات؛ این حرف غلطی است. نمی شود که بگوییم ما یک طرفه صادر می کنیم و واردات نه. البته باید واردات را نیز مدیریت کرد.» رییس جمهور تاکید نمود که نمی شود با ممنوعیت واردات، درهای کشور را بست. پس از آن رییس کل سازمان توسعه تجارت ایران با بیان اینکه سیاست های وارداتی دولت تغییر نکرده است، اعلام کرد: سیاست دولت در راستای مدیریت هوشمندانه واردات است و اساسا مدیریت هوشمندانه واردات ناظر به تعیین ضوابط فنی است. وزیر جهاد کشاورزی نیز که قبلا در دو نامه جداگانه واردات برخی از کالاهای کشاورزی را ممنوع کرده بود، در نامه ای جدید، رفع ممنوعیت واردات کالاهایی مانند برخی از میوه ها و نهاده های دامی را به وزارت بازرگانی اعلام کرد. پس از آن، کم کم بحث مدیریت واردات اساسا به فراموشی سپرده شد و اقدامات عملی نیز خاتمه یافت، به عبارت بهتر پیگیری پرونده مدیریت واردات که با شتاب به پیش می رفت، ناگهان متوقف شد و در نهایت به نظر می رسد پرونده مدیریت واردات مختومه شد!.سیر پر فراز و فرود پیگیری موضوع مدیریت واردات، مجموعه مواضع سیاست گذاران اقتصادی و اعمال سیاست های ناگهانی و متضاد در مدیریت واردات توسط نهادهای مسوول بیانگر دو نکته مهم است: اول اینکه عمده اقداماتی که در یک دوره کوتاه در راستای مدیریت واردات صورت گرفت، در نهایت عمدتا به اعمال ممنوعیت و وضع محدودیت های غیرتعرفه ای بر واردات ختم شد. به عبارت دیگر، سیاست اصلی در مدیریت واردات، وضع ممنوعیت و محدودیت بر واردات بود. این امر نشان می دهد که اساسا درک صحیح و همه جانبه ای از علل بنیادی وضعیت نامطلوب واردات در کشور، میان مسوولان امر وجود ندارد. دوم اینکه تصمیم گیری در مورد مدیریت واردات، فاقد یک برنامه مدون مبتنی بر کار کارشناسی بود که پیامد آن اعمال مجموعه ای از سیاست های ناگهانی، نامنسجم و گاه متضاد بود که در نهایت اعمال آن متوقف شد و جز ایجاد فضای عدم اطمینان و پرتشویش نتیجه ای در بر نداشت، البته روشن است که تداوم چنین روندی در سیاست گذاری مدیریت واردات نه تنها نمی توانست چشم انداز روشنی از مدیریت مطلوب واردات در آینده نزدیک ارائه دهد، بلکه می توانست به ایجاد هزینه های بزرگی برای اقتصاد کشور نیز منتهی شود؛ بنابراین احتمالا توقف چنین روندی در مدیریت واردات، بهتر از تداوم آن بود. اگرچه صورت مساله مدیریت واردات در هیاهوی ناشی از اجرای طرح هدفمندی یارانه ها پاک شد و اساس آن به بوته فراموشی سپرده شد، اما با توجه به شرایط اقتصاد ایران، آیا ضرورت مساله مدیریت بهینه واردات از بین رفته است؟ در این راستا تحلیل گران و سیاست گذاران اقتصاد ایران در موضوع مدیریت واردات با مجموعه ای متنوع از سوالات مواجه هستند: آیا روند واردات در ایران نگران کننده است؟ مهم ترین ویژگی های واردات در اقتصاد ایران چیست؟ پیامدهای روند کنونی واردات برای اقتصاد کشور چیست؟ آیا ضرورتی برای مدیریت واردات در اقتصاد ایران وجود دارد؟ و در نهایت اینکه اگر قرار است واردات در اقتصاد ایران تحت مدیریت قرار گیرد، مهم ترین ابزارهای مدیریت واردات و راهبرد سیاستی مطلوب برای

مدیریت واردات در اقتصاد ایران چیست؟ نحوه پاسخ به این سوالات، تا حدودی کم و کیف نحوه مدیریت واردات را در آینده روشن می نماید. در ادامه مقاله به بررسی جوانب متفاوت موضوع مدیریت واردات از جمله ضرورت های مدیریت واردات، ابزارهای مدیریت واردات و راهبرد سیاستی جهت مدیریت واردات خواهیم پرداخت ●.آیا سیر تحول واردات در اقتصاد ایران نگران کننده است؟آیا سیر تحول واردات در اقتصاد ایران نگران کننده است و اساسا تغییر در فرآیند مدیریت واردات ضرورت دارد؟ برای پاسخ به این سوال، ابتدا باید سیر تحول و وضعیت کنونی واردات را در اقتصاد کشور ترسیم نمود. جهت ترسیم سیر تحول و جایگاه واردات در اقتصاد ایران، مجموعه ای از شاخص های واردات در اقتصاد کشور مورد توجه قرار می گیرد. یک شاخص مهم، میزان واردات در اقتصاد ایران است. نمودار شمار ۱ روند واردات ایران را در یک دهه گذشته نشان می دهد. میزان واردات در ایران با یک روند صعودی به طور مداوم افزایش یافته و از حدود ۱۶ میلیارد دلار در سال ۷۸، به بیش از ۸۸ میلیارد دلار (بیش از ۵ برابر) در سال ۸۸ رسیده است. در عین حال حجم واردات به بیش از ۲۰ درصد از تولید ناخالص داخلی در سال ۸۸ رسیده است.علاوه بر روند صعودی واردات، مساله مهم دیگر آن است که منابع ارزی لازم برای این حجم عظیم واردات از کجا تامین می گردد. آیا واردات در ایران از محل درآمدهای ارزی حاصل از صادرات غیرنفتی کشور تامین می شود؟ روند کسری تراز تجاری بدون نفت در اقتصاد کشور در دهه گذشته نیز در نمودار ۱ نشان داده شده است. کسری تراز تجاری بدون نفت در دهه گذشته به طور مداوم افزایش یافته و با یک روند صعودی از ۱۱ میلیارد دلار در سال ۷۸ به ۶۶ میلیارد دلار (شش برابر) در سال ۸۸ رسیده است. این امر بیانگر این موضوع است که بخش اعظم واردات در کشور (بیش از ۶۰ درصد) نه از محل صادرات غیرنفتی که از محل منابع ارزی حاصل از فروش نفت تامین مالی می شود؛ بنابراین یکی از ویژگی های مهم واردات در اقتصاد ایران، وابستگی شدید واردات به درآمدهای نفتی است.شاخص مهم دیگر، ترکیب واردات در اقتصاد ایران است. واردات را می توان از یک جنبه به واردات کالاهای سرمایه ای، کالاهای واسطه ای و کالاهای مصرفی تفکیک نمود. مساله بسیار مهم میزان واردات کالاهای سرمایه ای از خارج است؛ چرا که عمدتا این بخش از واردات است که ظرفیت ها و توان تولیدی کشور را افزایش داده و حامل تکنولوژی به کشور است. ترکیب واردات ایران با تاکید بر واردات کالاهای سرمایه ای در یک دهه گذشته در نمودار ۲، نشان داده شده است. همان طور که در نمودار مشخص است، واردات کالاهای سرمایه ای تا سال ۱۳۸۳ روند صعودی داشته است و پس از آن با وجود افزایش قابل توجه واردات، با کاهش مواجه شده است و در حدود ۹ میلیارد دلار ثابت مانده است. در واقع سهم کالاهای سرمایه ای از واردات تا سال ۸۱ با یک روند صعودی به ۴۴ درصد رسیده و پس از آن به طور مداوم کاهش یافته و از حدود ۴۴ درصد در سال ۸۱ به ۱۶ درصد در سال ۸۸ رسیده است. این امر نشان می دهد که گسترش سریع واردات در کشور کمتر در جهت افزایش ظرفیت های تولیدی کشور به وسیله واردات کالاهای سرمایه ای بوده و بیشتر به واردات کالاهای واسطه و کالاهای مصرفی تخصیص یافته است. اگرچه بخش عمده واردات به واردات کالاهای واسطه ای که در فرآیند تولید نیز قرار می گیرد، تعلق دارد؛ اما باید توجه داشت که کالاهای وارداتی واسطه ای در اقتصاد ایران عمدتا با ایجاد ارزش افزوده اندک در فرآیند تولید به مصرف می رسند.اکنون سوال اصلی این است که با توجه به ویژگی های مهم واردات، آیا روند واردات در اقتصاد ایران نگران کننده است؟ البته باید توجه داشت که عموم اقتصاددانان بر این اعتقاد هستند که گسترش تجارت خارجی و هم پیوندی اقتصادی هر کشور با سایر کشورها، یکی از موتورهای محرک رشد و توسعه اقتصادی است و البته مبانی علمی محکم برای اثبات این ادعا وجود دارد. بر مبنای این منطق، افزایش واردات در ایران می تواند به عنوان یک مقوله مثبت ارزیابی گردد؛ اما باید توجه نمود که مساله تجارت خارجی ایران، دارای یک عامل بسیار مهم و تعیین کننده می باشد که نادیده انگاشتن آن می تواند هزینه هایی گزاف را بر دوش اقتصاد کشور تحمیل نماید. این عامل مهم و تعیین کننده، درآمدهای ارزی هنگفت از محل فروش نفت است. همان طور که در بخش قبلی بحث شد، مشکل این جا است که واردات در ایران متکی به درآمدهای ناشی از صادرات

غیرنفتی نیست و بخش عمـده آن از طریق درآمـدهای نفتی تـامین مـالی می گردد. اگر بخش عمـده واردات در ایران از محل صـادرات غیرنفتی ایران تـامین می شـد، آن گـاه گسترش واردات به عنوان افزایش هم پیونـدی اقتصـاد کشور با اقتصاد جهانی قابل ارزیابی بود که از طریق افزایش رقابت پـذیری اقتصاد ایران می توانست بسـیار مفید باشد؛ اما نقش تعیین کننده درآمدهای نفتی در واردات کشور، موجب شـده است که افزایش واردات نه به هم پیونـدی اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی که به وابستگی اقتصاد کشور به اقتصاد جهانی و درآمـدهای نفتی منتهی گردد و در نتیجه به تضـعیف قـدرت رقابتی اقتصاد ایران منتهی شده است. علاوه بر این، همـان طور که مطرح شـد، بخش اعظم واردات کشور به واردات کالاهـای واسـطه ای و مصـرفی تخصـیص یـافته است. سـهم بالای کالاهای واسـطه ای از واردات، موجب شده است که بسیاری از مسوولان با این اسـتدلال که واردات کالاهای واسـطه ای موجبات افزایش تولیـد را فراهم می نمایـد، واردات گسترده را نه به عنوان یک تهدید، بلکه به عنوان یک فرصت تلقی نمایند، اما باید توجه نمود که واردات کالاهای واسطه ای نیز، عمـدتا به واردات کالاهایی تخصـیص می یابـد که در زنجیره تولید در مراحل پایانی قرار دارند و با ایجاد ارزش افزوده اندک، به مصرف داخلی می رسند. در واقع بخش اعظم واردات کالاهای واسطه ای، شباهت نزدیکی به واردات کالاهای مصـرفی داشـته و عملا تاثیر چنـدانی بر میزان تولیـد کشور ندارنـد.در مجموع رونـدهای کنونی واردات موجب شده است که توانایی تولیدکنندگان داخلی در رقابت با تولیدکنندگان خارجی تضـعیف شده، رقبای خارجی را بر بازارهای داخلی مسلط نموده و موجب شده است که بسیاری از فعالیت های تولیدی توجیه اقتصادی خود را از دست بدهند. در نتیجه تولید داخلی و رشـد اقتصادی تحت تاثیر منفی واردات قرار گرفته و به تبع آن با محـدود شـدن اشـتغالزایی اقتصاد کشور، واردات موجبات افزایش میزان بیکـاری را نیز فراهم نموده است. در مقابـل به نظر می رسـد دولت تمایـل به تکیه بر واردات جهت کنـترل قیمت هـا به عنوان یک ابزار ضد تورمی دارد. اگر چه افزایش واردات ارزان در کوتاه مدت، اثرات ضد تورمی دارد، اما در بلندمدت از یک طرف به دلیل بر هم زدن قیمت های نسبی و از طرف دیگر به دلیل اثرات منفی آن بر تولید، نه تنها کمکی به کنترل تورم ننموده است، بلکه به نهـادینه شـدن تورم در اقتصـاد کشور نیز کمک کرده است؛ بنابراین مجموعه شاخص های ارزیابی واردات در اقتصاد کشور اعم از رونـد حجم واردات، نحوه تامین مالی واردات و سـهم کالاهای سـرمایه ای در ترکیب واردات و همچنین پیامدهای روند واردات بر عملکرد اقتصاد کشور، وضـعیت نگران کننـده ای از واردات ایران را ترسـیم می کنـد. به علاوه بایـد توجه نمود که آمار فوق در مـورد واردات، صـرفا آمارهـای رسـمی واردات به کشـور است. اگر به این مجمـوعه، واردات کالاـ به صـورت قاچـاق را نیز اضـافه نماییم، با توجه به این امر که تقریبا تمام واردات قاچاق مربوط به واردات کالاهای مصـرفی می شود، وضعیت واردات کشور نگران کننـده تر نیز خواهـد بود؛ بنابراین با وجود اینکه بحث مـدیریت واردات به فراموشـی سپرده شده است، اما مدیریت واردات همچنان یک ضـرورت بنیادی در اقتصاد ایران است ●.راهبرد سیاستی مدیریت واردات در اقتصاد ایرانبرای طراحی راهبرد مدیریت واردات، ابتـدا بایـد اهداف و ابزارهای اصـلی مدیریت واردات را مورد تحلیل و بررسـی قرار داد. در گام بعدی باید به تحلیل و بررسـی علل بنیـادی وضـعیت نگران کننـده واردات در اقتصـاد کشور پرداخت. در نهایت با مشـخص شـدن علل اساسـی وضـعیت نگران کننـده واردات و توجه به میزان قابلیت هر یک از ابزارهای مدیریت واردات در تامین اهداف، می توان سـیاست راهبردی جهت مدیریت و اصـلاح وضـعیت واردات در راسـتای تامین اهداف اصلی مدیریت واردات طراحی و ارائه نمود ▪.اهداف اصلی مدیریت واردات در اقتصاد ایران چیست؟با توجه به پیامـدهای منفی رونـد کنونی واردات بر میزان تولید و اشـتغال کشور، قطعا در صدر فهرست اهداف مـدیریت واردات، حمایت از تولید داخلی و افزایش رشد اقتصادی و به تبع آن حفظ و گسترش فرصت های شـغلی قرار دارد. با این حـال بایـد توجه داشت که حمایت از تولیـد و اشـتغال داخلی در برابر واردات کالاهای خارجی، نمی توانـد از طریق بسـتن مرزهای کشور و ممنوع نمودن واردات و ایجاد شـرایط انحصاری برای تولیدکنندگان داخلی تامین گردد، چرا که این روند اگرچه در کوتاه مـدت می توانـد اثرات مثبت محـدودی داشـته باشـد، اما در بلندمدت به تضـعیف بیشتر تولید داخلی خواهد انجامید؛ بنابراین هدف

حفظ فضای رقابتی و جلوگیری از انحصار در اقتصاد داخلی بایـد در کنار هـدف حمایت از تولیـد داخل در یک راسـتا قرار گیرد. مسـاله مهم دیگر رونـد رو به گسترش واردات کالا به صورت قاچاق به کشور است. با توجه به هزینه های واردات قاچاق به کشور، کنترل و مهار واردات زیرزمینی و قاچاق در ردیف اهـداف مهم مـدیریت واردات قرار می گیرد. از دیگر اهـداف مـدیریت واردات می توان به مواردی نظیر حمایت از حقوق مصـرف کننـدگان و در نهایت بهبود تراز پرداخت ها و انباشت ذخایر ارزی کشور اشاره نمود ▪.ابزارهای اصلی مدیریت واردات در اقتصاد ایران چیست؟از مهم ترین ابزارهای مدیریت واردات می توان به محدودیت های غیر تعرفه ای، محـدودیت های تعرفه ای و تعدیل نرخ ارز اشاره نمود. محدودیت های غیرتعرفه ای شامل ممنوعیت واردات، سـهمیه بندی واردات و محدودیت های فنی و اعمال اسـتانداردهای خاص در واردات می باشد. در واقع در حیطه محدودیت های غیرتعرفه ای دولت می تواند با وضع قوانینی، واردات یک کالا را ممنوع نماید یا با ایجاد سـهمیه بندی، واردات یک کالا را کنترل و محدود نمایـد یـا اینکه بـا وضع اسـتانداردها و محـدودیت هـای فنی خـاص، واردات یـک کالا را کنترل نمایـد. دولت می توانـد با افزایش محـدودیت های غیرتعرفه ای از میزان واردات بکاهـد و در مقابل با کاهش محدودیت ها، واردات را گسترش دهد.محدودیت های تعرفه ای شامل تعرفه بر ارزش و تعرفه بر واحد کالاهای وارداتی است. اعمال تعرفه بر یک کالای وارداتی در واقع شبیه به مکانیسم مالیـاتی عمـل می نمایـد. افزایش تعرفه بر یک کالای وارداتی از طریق افزایش قیمت آن کالا در داخل، موجب کاهش واردات آن کالاـ می شود؛ بنابراین دولت می توانـد با افزایش تعرفه ها، میزان واردات را کاهش دهـد یا با کاهش تعرفه ها، واردات را گسترش دهـد. به علاوه دولت با اعمال تعرفه، درآمـدی نیز برای خود ایجاد می کند.افزایش نرخ ارز (کاهش ارزش پول ملی در مقابل سایر پول هـا) به معنـای گران شـدن قیمت کالاهـای خـارجی در داخـل و در مقابل ارزان شـدن کالاهای داخلی در خارج است؛ بنابراین افزایش نرخ ارز، از طریق افزایش قیمت کالاهـای وارداتی، موجب کـاهش واردات کالاهـا می گردد و در مقابـل کـاهش نرخ ارز، واردات را افزایش می دهد. البته آنچه در مورد نرخ ارز مهم است، نرخ واقعی ارز است که باید مورد توجه و تاکید قرار گیرد. نرخ واقعی ارز از تعدیل نرخ اسـمی ارز نسبت به سطح عمومی قیمت های داخل و خارج به دست می آید. در واقع در صورتی که تورم داخل بسـیار بالاتر از تورم خارج باشد، آنگاه نرخ واقعی ارز با وجود افزایش اندک در نرخ اسمی ارز، کاهش خواهد یافت ▪.علت اصـلی وضـعیت نگران کننـده واردات در اقتصـاد ایران چیست؟علت اساسـی وضـعیت نگران کننـده واردات در اقتصاد ایران، ارزان بـودن کالاهـای وارداتی در مقـایسه بـا قیمت هـای داخلی است. این امر مـوجب شـده است تـا از یـک طرف تقاضـا برای کالاهـای وارداتی نسـبت به تقاضای کالاهای داخلی به سـرعت گسترش یابد و از طرف دیگر، واردات کالاهای سـرمایه ای نسبت به واردات کالاهای واسـطه ای و مصـرفی از توجیه اقتصادی کمتری برای عوامل و کارگزاران اقتصادی برخوردار باشد. سوال اساسی این است که چرا قیمت کالاهـای وارداتی نسـبت به قیمت هـای داخلی، ارزان است؟ بر اسـاس قانون برنامه چهارم توسـعه، اعمال محـدودیت های غیرتعرفه ای به صورت ممنوعیت واردات و سـهمیه بندی واردات ممنوع است. آیا علت اصلی ارزان بودن کالاهای وارداتی، به اعمال محدودیت های تعرفه ای و غیرتعرفه ای در سـطح پایین و به میزان اندک مربوط است؟ برای این منظور بررسی شاخص تعرفه و شـاخص آزادی تجـاری ایران در میان ۱۷۸ کشور جهان که توسط بنیاد هریتیـج گزارش می شود، می توانـد مفیـد باشـد. شاخص تعرفه، میـانگین وزنی تعرفه هـای تجاری کشورها را انـدازه می گیرد. بر اساس گزارش سال ۲۰۱۰، ایران بـا میانگین تعرفه ۴/۱۷ در ردیف هفتم بالاـترین میزان تعرفه در میان ۱۷۸ کشور جهـان، در کنار کشورهاییماننـد زیمبابوه، باهاماس و جیبوتی قرار دارد. این در حالی است که میانگین تعرفه جهانی برابر ۷۵/۶ بوده است.در همین سال سوئیس با میانگین تعرفه صفر در کنار کشورهایی مانند سنگـاپور و هنـگ کنـگ، پـایین ترین میزان تعرفه را به خود اختصـاص داده است. شـاخص آزادی تجاری نیز یک شاخص ترکیبی است که میزان محـدودیت های تعرفه ای (میانگین وزنی نرخ تعرفه) و محدودیت های غیرتعرفه ای (مانند محدودیت های مقداری، محـدودیت هـای قیمتی و محـدودیت های قانونی) را در تجارت خارجی انـدازه می گیرد. در این شاخص عـدد ۱۰۰ بیانگر آزادی

کامل در تجارت خارجی است. بر اساس گزارش سال ۲۰۱۰، شاخص آزادی تجاری در ایران برابر ۲/۵۰ بوده و ایران به لحاظ وضع محدودیت های تجاری در ردیف ششمین کشور جهان در میان ۱۷۸ کشور جهان است. این در حالی است که میانگین شاخص آزادی تجاری در جهان برابر ۶/۷۴ بوده است. در همین سال سوئیس با شاخص آزادی تجاری ۹۰، در ردیف ۱۷۸ جهان و در کنار کشورهایی مانند سنگاپور و هنگ کنگ، به عنوان بازترین کشور جهان به لحاظ تجارت خارجی قرار گرفته است.در واقع بررسی شاخص تعرفه و شاخص آزادی تجاری ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان نشان می دهد که ایران در ردیف بالاترین کشورها در وضع محدودیت های تعرفه ای و غیرتعرفه ای قرار می گیرد. این امر نشان می دهد که در واقع پایین بودن محدودیت های تعرفه ای و غیرتعرفه ای در ایران، نمی تواند به عنوان علت واردات گسترده در کشور مورد تاکید قرار گیرد؛ بنابراین سوال این است که علت اصلی ارزان بودن کالاهای وارداتی در ایران چیست؟ آیا نرخ ارز عامل اصلی است؟ البته پاسخ مثبت است. بررسی روند نرخ ارز اسمی و حقیقی (تورم زدایی شده) در ایران نشان می دهد که اگرچه از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۸۸، نرخ ارز اسمی به صورت هموار یک روند صعودی را طی نموده و با افزایش بیش از ۳۷ درصدی، از حدود ۸۰۰ تومان در سال ۸۰، به حدود ۱۱۰۰ تومان در حال حاضر رسیده است، اما در همین دوره، نرخ ارز واقعی، طی یک روند نزولی، با کاهش مداوم به کمتر از نصف کاهش یافته است. علت اصلی این کاهش قابل توجه در نرخ ارز واقعی، بالا بودن تورم داخلی نسبت به تورم خارجی (شرکای تجاری ایران) بوده است. کاهش مداوم نرخ واقعی ارز (تقویت ارزش ریال نسبت به سایر ارزها) دقیقا به معنای ارزان شدن کالاهای وارداتی نسبت به قیمت کالاهای داخلی است. در واقع با توجه به کاهش قابل توجه نرخ واقعی ارز، افزایش مداوم و قابل توجه واردات در دهه اخیر جای شگفتی ندارد.اما مساله بسیار مهم این است که عامل کاهش نرخ واقعی ارز در دهه اخیر چیست؟ اگر طرف های عرضه و تقاضای بازار ارز در دهه اخیر را مورد بررسی قرار دهیم، روشن می شود که عامل اصلی کاهش نرخ واقعی ارز در اقتصاد ایران، افزایش عرضه ارز از طریق افزایش درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت و انباشت ذخایر ارزی بوده است. در واقع این تزریق درآمدهای نفتی از کانال سیاست های مالی دولت و سیاست های پولی و ارزی بانک مرکزی به بازار ارز است که موجبات کاهش نرخ واقعی ارز و افزایش واردات را فراهم نموده است ▪.راهبرد سیاستی برای مدیریت واردات: از سیاست تعدیل نرخ ارز تا دیوار غیرتعرفه ایراهبرد سیاستی مدیریت واردات در اقتصاد ایران باید یک چارچوب سیاستی سازگار ارائه دهد که طبق آن با استفاده از ابزارهای اصلی مدیریت واردات، واردات کشور در مسیر رسیدن به وضعیت مطلوب واردات و دستیابی به اهداف اصلی مدیریت واردات مانند حمایت از تولید داخلی، کنترل و مهار واردات زیرزمینی و قاچاق، حفظ فضای رقابتی و جلوگیری از انحصار در اقتصاد داخلی، حمایت از حقوق مصرف کنندگان و در نهایت بهبود تراز پرداخت ها و ذخایر ارزی کشور قرار گیرد. اکنون به بررسی نقش و جایگاه هر یک از ابزارهای مدیریت واردات در راهبرد سیاستی مناسب برای مدیریت واردات می پردازیم.الف) جایگاه محدودیت های غیرتعرفه ای در راهبرد سیاستی مدیریت وارداتپس از داغ شدن بحث مدیریت واردات، محدودیت های غیرتعرفه ای (تحت عنوان محدودیت ورود کالاهای غیرضروری و بی کیفیت) در کانون توجه سیاست گذاران اقتصادی قرار گرفت، به نحوی که گویا محدودیت های غیرتعرفه ای به عنوان ابزار اصلی مدیریت واردات مورد تاکید قرار گرفته اند. بر اساس این رویکرد، لیست های بلند بالای کالاهایی که واردات آنها ممنوع شده است، یکی پس از دیگری منتشر شد. اگرچه لیست های ممنوعیت و محدودیت واردات عملا به فراموشی سپرده شد، اما سوال این است که آیا اساسا گسترش همه جانبه محدودیت های غیرتعرفه ای می تواند ابزار مناسبی برای مدیریت واردات در اقتصاد ایران باشد؟ به لحاظ نظری، استفاده گسترده و سیستماتیک از محدودیت های غیرتعرفه ای نمی تواند به عنوان ابزار اصلی در مدیریت مطلوب واردات موفقیت آمیز باشد؛ چرا که نه تنها اعمال محدودیت های غیرتعرفه ای در کنترل واردات به صورت گسترده، چندان موثر واقع نمی گردد، بلکه موجب گسترش زمینه های رانت جویی، فساد اقتصادی، ایجاد شرایط انحصاری، گسترش بی عدالتی، ناکارآیی اقتصادی و در

نهایت گسترش واردات قاچاق در کشور می گردد. به لحاظ تجربی نیز تجربه تاریخی اقتصاد کشور عدم کارآیی اعمال محدودیت های غیر تعرفه ای را در دستیابی به اهداف تعیین شده تایید می کند.بر اساس همین تجربه ناموفق بود که در ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم توسعه، اعمال محدودیت های غیرتعرفه ای در کنترل واردات ممنوع شد. در عموم کشورهای جهان نیز از میان محدودیت های غیرتعرفه ای، تنها محدودیت های فنی و استاندارد در تجارت خارجی مورد استفاده قرار می گیرد و ممنوعیت و سهمیه بندی واردات عملاً منسوخ شده اند.محدودیت های غیرتعرفه ای اگرچه نمی توانند به عنوان ابزار اصلی مدیریت واردات ایفای نقش کنند، اما بخشی از محدودیت های غیرتعرفه ای (محدودیت های فنی و وضع استاندارد) می توانند به عنوان ابزار مکمل در چارچوب سیاست راهبردی مدیریت واردات، نقش مفیدی ایفا کنند.ب) جایگاه محدودیت های تعرفه ای در راهبرد سیاستی مدیریت وارداتاعمال تعرفه های تجاری بالاتر برای مدیریت واردات، اگرچه از اعمال محدودیت های غیرتعرفه ای، سیاست بهتری تلقی می شود و برای دولت نیز درآمد زا است، اما به دلایل عملی و نظری نمی تواند به عنوان ابزار اصلی مدیریت واردات به موفقیت دست یابد. به لحاظ عملی باید توجه نمود که ایران در حال حاضر از نظر متوسط نرخ های تعرفه در ردیف هفتم جهان قرار دارد و افزایش بیش از پیش تعرفه ها نمی تواند به لحاظ علمی سیاست مناسبی تلقی شود. اعمال سیاست افزایش تعرفه ها منجر به بروز عدم تعادل های بزرگ اقتصادی خواهد شد که بازگشت از آن در زمان آینده، بسیار پرهزینه خواهد بود و گریبان اقتصاد ایران را خواهد گرفت، همانطور که اقتصاد ایران مسیر دشواری را در راستای کاهش نرخ های تعرفه پس از جنگ طی نمود. به علاوه افزایش بیشتر تعرفه ها، از یک طرف موجب ایجاد شرایط انحصاری در داخل می گردد و از طرف دیگر موجب افزایش سودآوری واردات کالا به صورت قاچاق و در نتیجه افزایش حجم واردات زیرزمینی در اقتصاد کشور و گسترش فساد اقتصادی می گردد، به خصوص که شبکه واردات غیر رسمی در کشور بسیار گسترده است. یک نمونه ساده این امر در بازار گوشی تلفن همراه رخ داد. افزایش تعرفه گوشی تلفن همراه سبب شد نه تنها قاچاق این کالا به کشور افزایش یابد، بلکه دولت نیز از دریافت حقوق و عوارض گمرکی واردات گوشی محروم شد؛ بنابراین محدودیت های تعرفه ای نیز اگرچه نمی توانند به عنوان ابزار اصلی مدیریت واردات ایفای نقش کنند، اما می توانند به عنوان یک ابزار مکمل در چارچوب سیاست راهبردی مدیریت واردات، نقش مفیدی ایفا کنند.ج) تعدیل نرخ ارز ابزار اصلی راهبرد سیاستی مدیریت وارداتبا توجه به اینکه عامل اصلی وضعیت نامطلوب واردات در اقتصاد ایران، کاهش نرخ واقعی ارز است، روشن است که ابزار اصلی مدیریت واردات نیز تعدیل نرخ ارز می باشد. در واقع بدون تعدیل نرخ ارز، اساسا امکان کنترل و مدیریت واردات در اقتصاد کشور وجود ندارد و افزایش نرخ ارز عامل مسلط در تغییر مسیر واردات به سوی وضعیت مطلوب است. افزایش نرخ ارز از طریق افزایش قیمت کالاهای وارداتی نه تنها واردات از مبادی رسمی را کاهش خواهد داد، بلکه مهم تر از آن از طریق کاهش سودآوری قاچاق، واردات زیرزمینی را نیز کاهش خواهد داد. علاوه بر این افزایش نرخ ارز نه تنها به افزایش قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی در برابر واردات کالاهای خارجی خواهد انجامید، بلکه از طریق کاهش قیمت کالاهای صادراتی، قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی را در بازارهای بین المللی افزایش داده و در نتیجه توان صادرات غیر نفتی کشور را افزایش خواهد داد؛ بنابراین افزایش نرخ ارز نه تنها به بهبود فرآیند واردات در ایران خواهد انجامید، بلکه اثر مثبتی بر صادرات غیرنفتی کشور نیز بر جای خواهد گذارد و در حمایت از تولید داخل بسیار موثرتر عمل خواهد نمود، اما مساله مهم، نحوه افزایش نرخ ارز است. همانطور که بحث شد، علت اصلی کاهش تدریجی نرخ ارز، افزایش عرضه ارز از طریق تزریق درآمدهای نفتی به بازار ارز است؛ بنابراین افزایش نرخ ارز نیز در گرو کاهش تزریق درآمدهای ارزی نفت به بازار ارز است. از یک جنبه می توان تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد کشور را به عنوان اعطای یارانه به واردکنندگان تلقی نمود. به عبارتی تزریق درآمدهای ارزی نفت به بازار ارز، در کنار یارانه های انرژی، یکی از بزرگ ترین اقلام پرداخت یارانه در اقتصاد کشور است.مسیر انتقال درآمدهای نفتی به بازار ارز، سیاست مالی دولت از یک طرف و سیاست ارزی بانک مرکزی از طرف دیگر

است. به علاوه باید توجه نمود که در این مسیر، سیاست مالی دولت بر سیاست ارزی بانک مرکزی تسلط دارد. این سیاست مالی دولت در زمینه بودجه و مدیریت منابع صندوق ذخیره ارزی است که تعیین می نماید چه میزان از درآمدهای نفتی وارد چرخه اقتصاد کشور گردد و در چه زمینه هایی هزینه شود. در طول سیاست مالی دولت، سیاست پولی و ارزی بانک مرکزی عمدتا تعیین می نماید چه میزان از درآمدهای نفتی که به واسطه سیاست مالی دولت وارد چرخه اقتصاد شده است، از مسیر تغییر حجم پول و چه میزان از مسیر تغییر عرضه ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی تاثیر گذارد. البته باید توجه نمود که با توجه به حجم عظیم درآمدهای نفتی که از کانال سیاست مالی دولت به چرخه اقتصاد وارد می شود، قدرت مانور بانک مرکزی برای کنترل تزریق ارز به بازار اندک است.با توجه به مباحث فوق، بدون کاهش تزریق درآمدهای نفتی به بازار ارز و در نتیجه افزایش نرخ ارز، استفاده از ابزارهای دیگر نمی تواند موفقیتی هرچند محدود در مدیریت واردات کسب نماید. تا زمانی که درآمدهای نفتی از کانال سیاست مالی، پولی و ارزی با روند گذشته به بازار ارز تزریق شود، واردات گسترده از طریق کاهش نرخ واقعی ارز تداوم می یابد. در این مسیر حتی محدودیت های تعرفه ای و غیرتعرفه ای گسترده نیز نمی توانند اثر قابل توجهی بر کنترل واردات داشته باشند.برای روشن شدن بحث، فرض کنید در سال ۵۰ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی به بازار ارز تزریق می گردد و این ۵۰ میلیارد دلار به واردات تخصیص می یابد. در این شرایط، اگر نرخ های تعرفه جهت مقابله با واردات به صورت دفعی دو برابر شود، آیا واردات کاهش خواهد یافت؟ پاسخ منفی است. دو برابر شدن نرخ های تعرفه، ابتدا موجب افزایش قیمت کالاهای وارداتی خواهد شد، اما تغییرات پویای اقتصاد، موجب می شود عملا تغییری در روند واردات اتفاق نیفتد. از یک طرف نرخ واقعی ارز شروع به کاهش می نماید و بخش مهمی از اثر افزایش تعرفه ها را خنثی خواهد نمود. از طرف دیگر، با افزایش تعرفه ها سودآوری واردات کالا ـ به صورت قاچاق افزایش یافته و در نتیجه واردات قاچاق افزایش خواهد یافت. در نهایت تمام ۵۰ میلیارد دلار با وجود دو برابر شدن تعرفه ها، از طریق کاهش نرخ واقعی ارز و افزایش قاچاق کالا، باز هم راه خود را به واردات خواهد یافت. همین موضوع در مورد افزایش محدودیت های غیرتعرفه ای نیز صدق می نماید. در واقع تا زمانی که تزریق درآمدهای نفتی ادامه دارد، واردات گسترده نیز از طریق کاهش نرخ ارز نیز تداوم خواهد یافت.بنابراین سیاست راهبردی برای مدیریت واردات، چارچوب سیاستی است که در آن افزایش نرخ ارز از طریق کاهش تزریق درآمدهای نفتی از مسیر سیاست مالی دولت و سیاست پولی و ارزی بانک مرکزی (به عبارتی کاهش یارانه ارزی)، دارای نقش محوری است و استفاده از سایر ابزارها مانند محدودیت های تعرفه ای و محدودیت های غیرتعرفه ای تنها در کنار افزایش نرخ ارز می توانند نقش مفیدی ایفا نمایند. افزایش نرخ ارز، از طریق افزایش قیمت کالاهای وارداتی، موجب کاهش واردات می گردد. به علاوه افزایش نرخ ارز از مسیر بهبود قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی موجب می شود تولید داخلی سودآورتر شده و در نتیجه ترکیب واردات نیز به نفع واردات کالاهای سرمایه ای جهت افزایش ظرفیت تولید داخلی تغییر نماید. در این چارچوب سیاستی، محدودیت های تعرفه ای و غیرتعرفه ای نیز می توانند به نحو مناسب جهت تغییر در ترکیب واردات مورد استفاده قرار گیرند. در این چارچوب بهتر است که از سیاست های ممنوعیت واردات و سهمیه بندی واردات تا جای ممکن خودداری شود و تنها از وضع محدودیت های فنی و استاندارد جهت جلوگیری از واردات کالاهای غیراستاندارد استفاده گردد، اما محدودیت های تعرفه ای می توانند نقش مهمی را در بهبود ترکیب واردات ایفا نموده و با وضع تعرفه های پایین در راستای افزایش سهم کالاهای سرمایه ای در واردات و با وضع تعرفه های بالاتر در جهت کاهش سهم کالاهای مصرفی کمتر ضروری در ترکیب واردات ایفای نقش نماید.اعمال چنین سیاست راهبردی در مدیریت واردات، بهترین راه برای دستیابی به اهداف اصلی مدیریت واردات یعنی حمایت از تولید داخلی و افزایش رشد اقتصادی، حفظ و گسترش فرصت های شغلی، حفظ فضای رقابتی و جلوگیری از انحصار در اقتصاد داخلی، کنترل و مهار واردات زیرزمینی و قاچاق، حمایت از حقوق مصرف کنندگان و در نهایت بهبود تراز جاری و پرداخت ها و انباشت ذخایر ارزی کشور خواهد بود. حمید زمان زاده روزنامه دنیای

اقتصاد (www.donya e eqtesad.com)

هجوم کالاهای خارجی و دامپینگ

داوود چراغی

تنظیم بازار کالاها و خدمات در جهت رشد و توسعه تولید انواع کالاها و خدمات در داخل هر کشوری و به تبع آن افزایش ایجاد درآمد و اشتغال نیروی کار از جمله وظایف ذاتی دولت‌ها محسوب می‌شود. بر این اساس در همه کشورها دولت‌ها برای رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه اقدام به برنامه‌ریزی و سیاستگذاری به منظور افزایش سرمایه‌گذاری در تولید انواع کالاها و خدمات مورد نیاز جامعه و حتی کالاها و خدمات مورد نیاز سایر کشورها در وهله نخست برای افزایش درآمد ملی و در مراحل بعدی برای توزیع عادلانه ثروت و درآمد کشور بین همه مردم جامعه می‌کنند. با توجه به محدودیت‌های مختلف نظیر مواد اولیه، کمبود تقاضای داخلی برای کالاها و خدمات تولید شده در کشور و همچنین عرضه کمتر از نیاز داخلی برخی کالاها و خدمات با توجه به نیاز جامعه، لازم است که این کمبودها از طریق تجارت با سایر کشورها مرتفع شود اما طی سال‌های اخیر رکود اقتصاد جهانی، موجب شده تا برخی کشورهای توسعه یافته حضور خود در بازارهای هدف را حتی با تمسک به روش‌های متقلبانه مانند دامپینگ دنبال کنند.درگذشته با توجه به محدودیت‌های مختلف از جمله ارتباطات و وسایل حمل‌ونقل، تجارت با سایر کشورها در ابعاد کمی انجام می‌گرفت و تقریبا می‌توان گفت که بخش اعظم محصولات مورد نیاز مردم کشورها از محل تولیدات داخلی این کشورها تأمین می‌شد اما همراه با رشد و توسعه ابزار و امکانات ارتباطات و حمل‌ونقل دریایی، زمینی و هوایی و در کل پیشرفت فناوری‌های مختلف در چند دهه اخیر، تجارت در بازارهای جهانی از گسترش زیادی برخوردار شده است. در نتیجه مشاهده می‌شود که در این شرایط بسیاری از کالاها و خدمات از کشورهای توسعه یافته به سمت کشورهای در حال توسعه هجوم آورده‌اند.با بررسی روند توسعه و رشد تجارت جهانی می‌توان گفت کشورهای توسعه‌یافته با استفاده از ابزارها و روش‌های مختلف، برای افزایش ثروت و درآمد کشورشان از بازارهای جهانی، همواره برنامه‌ریزی داشته و دارند. این کشورها به‌صورت پویا به‌دنبال منافع خود بوده و هستند، گرچه این امر به ضرر و زیان کشورهای ضعیف بوده و هست. البته نمی‌توان به کشورهای توسعه یافته برای انجام این فعالیت‌ها انتقاد کرد چرا که آنان در جهت منافع‌شان عمل کرده‌اند، اما کشورهای در حال توسعه باید برای حضوری قدرتمند در بازارهای جهانی در جهت رشد و توسعه کشورشان گام بردارند.قدرت‌نمایی در بازارهابررسی روند رشد و توسعه تجارت جهانی نشان می‌دهد که امروزه بازارهای جهانی، محلی برای نشان‌دادن قدرت و توان کشورها هستند. در نتیجه کشورها برای حضور قوی‌تر در بازار جهانی و افزایش درآمد ملی باید برنامه‌ریزی و سیاستگذاری گسترده‌ای را برای حضور هرچه موفق‌تر در بازارهای جهانی داشته باشند. همچنین باید توجه داشت که بسیاری از موارد و شرایط مد نظر کشورهای توسعه یافته در بازارهای جهانی همچون افزایش تجارت آزاد، در شرایط فعلی در جهت تأمین منافع این کشورها بوده و کشورهای مذکور با کوچک‌ترین تهدیدی برای تولیدات خود اقدام به تغییر این سیاست‌ها می‌کنند. نمونه تغییر وضعیت سیاستگذاری کشورهای توسعه‌یافته با تهدید صنایع آنها از بازار جهانی را می‌توان در قراردادن سهمیه مقداری و افزایش تعرفه واردات فولاد به کشور آمریکا در دولت بوش برای حمایت از صنایع فولاد آمریکا مشاهده کرد.تجارت متقلبانهبرخی کشورها برای حضور در بازارهای کشورهای دیگر، اقدام به عرضه کالاهای صادراتی، به‌قیمت پایین‌تر از قیمت تولیدکننده در کشور مقصد می‌کنند. این فعالیت که تحت عنوان «دامپینگ» شناخته می‌شود تجارت متقلبانه‌ای است که در بیشتر کشورها ممنوع است و اگر ثابت شود که کالای صادرشده برای خارج کردن سایر رقبا تحت شرایط دامپینگ عرضه شده، جرایم سنگینی در نظر گرفته می‌شود. اما متأسفانه در کشور ما از یک طرف قوانین و مقررات ضد دامپینگ در مراحل ابتدای شکل‌گیری بوده و از سوی دیگر حجم کالاهای وارداتی

به‌صورت قاچاق، که عموما در شرایط دامپینگ در بازارهای داخلی عرضه می‌شوند، بسیار زیاد است. با توجه به این موارد اکنون مقابله با کالاهای وارداتی به‌صورت دامپینگ در ایران بسیار سخت و دشوار است.لزوم حفاظت از بازار داخلیاکنون کشورها از تمام قدرت و توان خود برای حضور هر چه بیشتر در بازارهای جهانی استفاده کرده و در نتیجه دولتمردان نیز باید در جهت منافع ملت و کشور در این زمینه‌ها برنامه‌ریزی و سیاستگذاری کنند. شرایط فعلی بازارهای جهانی که بعد از وقوع بحران مالی گسترده در اواسط سال ۲۰۰۸ میلادی در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته شکل گرفته، موجب کاهش قیمت بیشتر کالاها و خدمات شده است. توجه به وضعیت قیمت کالاها در بازارهای جهانی و همچنین وضعیت تولید و عرضه کالاها در ایران به‌خصوص با توجه به نرخ تورم ۲رقمی کشور و در مقابل نرخ‌های تورم منفی در بیشتر کشورها، ضرورت هوشیاری برای ممانعت از هجوم این کالاها به بازار داخلی را گوشزد می‌کند. بررسی روند تجارت ایران در سال‌های۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷ این واقعیت را بهتر نشان می‌دهد. قیمت هریک کیلوگرم کالای وارداتی به ایران از ۲۷/۱دلار در سال۱۳۸۳ به ۰۳/۱دلار در سال۱۳۸۷ کاهش یافته است. این امر اگر به‌صورت کالایی و در برخی کالاها همچون انواع پوشاک بررسی شود بیانگر این واقعیت است که با وجود کاهش مقدار ارزشی واردات اما مقدار وزنی واردات اینگونه کالاها در دوره مورد بررسی افزایش زیادی داشته است. براین اساس لازم است تا دولت مانند سایر کشورها به صورت پویا از تولید کالاهای داخلی در مقابل موج واردات ارزان قیمت که هر اقدامی را برای نفوذ در بازار کشورهای دیگر انجام می‌دهند، حمایت کند.موانع بیشتر برای صادراتچنین وضعیتی با شدت بیشتر در زمینه کالاها و خدمات صادراتی ایران در سال‌های اخیر نیز مشاهده می‌شود. به‌طوری که ارزش صادرات هر کیلو گرم کالای ایرانی از ۵۵/۰دلار در سال۱۳۸۳ به ۳۸/۰دلار در سال۱۳۸۷ کاهش یافته است. باید توجه داشت که در سال‌های اخیر از یک سو کالاها در بازار جهانی ارزان شده که این موضوع می‌تواند تهدیدی برای تولیدات کشور باشد و از سوی دیگر قیمت تولیدات صادراتی ایران به‌شدت کاهش یافته که این موضوع نیز می‌تواند تهدید مربوطه را برای تولید کالاها و خدمات ایران تشدید کند. با این روند حضور پویای دولت با اتخاذ سیاست‌های مناسب در جهت حمایت از تولید کالاها و خدمات و همچنین حمایت از مصرف‌کنندگان همچون همه کشورها از اهمیت زیادی برخوردار است؛ به ویژه مقابله با واردات گسترده کالاهای بی‌کیفیت و بنجل که به صورت قانونی و قاچاق بازارهای ایران را هدف قرار داده است، کالاهایی که برای نفوذ به بازار ایران با بهره‌گیری از روش‌ها و شیوه‌های مختلفی همچون عرضه کالاهای زیر قیمت تمام‌شده و حتی مذاکره با تولیدکنندگان ایرانی برای ارائه کالاهای تولیدی آنها با توجه به استانداردهای مرسوم خود و تحت نام و برند این کشورها و مهم‌تر از همه الصاق علامت استاندارد ایران بر این کالاها را شامل می‌شود. همه این موارد حاکی از هجوم سایر کشورها برای تصاحب بازارهای ایران و خارج کردن تولیدکنندگان ایرانی از فرایند تولید است. با این شرایط باید همانند برخی دیگر از کشورها، دولت اقدام به اتخاذ روش‌های مقابله با اینگونه اقدامات کند چرا که هر چه این امر دیرتر انجام شود ضربات بیشتری بر اقتصاد بیمار ایران وارد خواهد شد.

مشکلات واردات

ایران فاینانس

مشکلات زیادی سر راه واردات کشور وجود دارد.تعرفه های بالای گمرکی جهت حمایت از صنایع داخلی, عدم عزویت ایران در سازمان تجارت جهانی, وجود تحریم های همه جانبه علیه کشور و عدم وجود اعتبار بانک های داخلی نزد بانک های بین المللی و به تبع ان ایجاد فرایند طولانی واردات و پرداخت ها,قوانین دست و پا گیر و سنتی نظام گمرکی کشور که مربوط به دهه های قبل و شرایط ان زمان میباشد و بسیاری دلایل دیگر از این جمله اند که نیاز به بررسی کلی دارند.افزایش ۵ تا ۱۰درصدی هزینه‌ها و افزایش مدت زمان وارد کردن کالا به ایران از جمله مشکلات ایجاد شده در اثر تحریم بانک‌های ایرانی است. بانک‌های تراز اول

جهان با بانک‌های ایرانی دولتی و خصوصی کار نکرده و تجار ایرانی برای گشایش اعتبارات اسنادی به بانک‌های واسطه مراجعه می کنند.و این سبب افزایش ناخواسته قیمت تمتم شده کالا- برای مصرف کننده داخلی است.نداشتن یک استاندارد بین المللی مناسب که مانع از ورود و فروش کالا های چینی به بازار ایران شود نیز از دیگر مشکلات واردات به کشورمان میباشد.کاهش روز افزون ارزش پول کشورمان در مقابل سایر ارزهای بین المللی نیز از دیگر مشکلات موجود بر سر راه واردات کشورمان میباشد.و تمام این عوامل همراه با عوارض گمرکی بالا و غیر منطقی باعث بروز مشکلات زیادی در زمینه واردات کالا به کشورمان میشود که از بارزترین نتایج ان عقب ماندگی تجاری از تمام دنیا و رو اوردن بسیلری از افراد به پدیده قاچاق کالا میباشد که با توجه به بازار مناسب داخلی و رغبت مشتریان به مصرف کالای خارجی با کیفیت علی رغم کنترل های شدید مرزی و گمرکی میباشد که علاوه بر افزایش میزان تعطیلی کارخانجات و نرخ بیکاری در کشور هزینه های جبران ناپذیری را به اقتصاد یک کشور تحمیل میکند..در کشور ما محصولاتی که باید از تولیدشان حمایت شود و محصولاتی که باید وارد شوند، مشخص نیستند و از هیچ الگویی در این زمینه تبعیت نمی کنیم.با تعیین اولویتهای تولید، تصمیم گیری مناسب برای واردات به راحتی صورت خواهد گرفت و با واردات بی رویه مواجه نخواهیم بود.مدیریت واردات دربرگیرنده چرخه تجارت خارجی میباشد.مدیریت واردات را نباید صرفا در چارچوب واردات تعریف کرد بلکه در چرخه تجارت خارجی که صادرات و واردات را با هم دربر می گیرد، باید مورد توجه قرار داد.محدودیت واردات یک مقوله جزیی از مدیریت واردات است، با تدوین یک استراتژی کلان باید با در نظر گرفتن منافع همه گروهها تصمیم گیری کرد.محدودیت واردات صرفا برای محصولات کشاورزی اعمال شودمحدودیت واردات صرفا برای کالاهای خاص باید اعمال گردد که عمدتا آن را در بخش کشاورزی به منظور حمایت از روستاییان و کشاورزان که اقشار آسیب پذیری هستند، خواهیم داشت.در این مقوله بخش صنعت و کشاورزی را باید از هم تفکیک کرد، افزایش سطح رفاه روستاییان از جمله مسایل مورد تاکید دولتهاست که با پرداخت یارانه و حمایتهای تعرفه ای نسبت به بهبود آن اقدام می نمایند.در تجارت آزاد، هدف فراهم کردن رفاه برای مصرف کننده است، چراکه توجه به مصرف کننده فضایی را فراهم می کند که در آن کالاها با بالاترین کیفیت و کمترین قیمت عرضه خواهند شد.اما اگر محدودیت واردات بدون شرط برای همه کالاها اعمال شود، علاوه بر بروز گرانی و تورم در بازار، کیفیت پایین محصولات نیز از دیگر نتایج حاصل خواهد بود.افزایش تعرفه ها مشروط به ارتقای کیفیت و توان رقابت شود. حمایت، بسته ای است شامل یارانه ها و تعرفه ها که باید به ارتقای کیفیت و توان رقابت برای حضور در بازار جهانی مشروط گردد.تولیدکنندگان نباید تصور کنند که با محدود کردن واردات قدرت آنها افزوده میشود. زیرا تجربه کشورهای موفق نشان می دهد زمانی کالاها قدرت رقابت پیدا می کنند که در فضای تجارت آزاد قرار می گیرند.تجارت آزاد دارای قوانین کنترلی است. بر خلاف تصور برخی درباره تجارت آزاد، این فضا دارای ابزارهای کنترلی و قوانینی است که به واسطه آن امکان مدیریت سیستم فراهم می گردد.اما استفاده از این ابزارها محدود به محصولات استراتژیک می گردد و به معنای به کارگیری برای همه کالاهای تولیدشده نخواهد بود.نگاه ما باید از تولیدکننده به سمت مصرف کننده سوق یافته و تولیدکننده باید حضور در یک فضای رقابتی را فرا گیرد.ما به دنبال تجارت منصفانه هستیم و با توجه به مزیتهای بالای تولید در کشور، توان تحقق این هدف را خواهیم داشت.تعرفه محصولات کشاورزی فصلی و سهمیه ای باشد.تعرفه محصولات کشاورزی باید سهمیه ای و فصلی گردد.با تعریف چنین تعرفه ای می توان میزان کسری بین تولید تا مصرف را برآورد و سهم واردات محصول مورد نظر را تعیین نمود.. از دیگر سو با در نظر گرفتن فصلهای اوج مصرف، نسبت به تغییر تعرفه ها می توان اقدام کرد.این سیستم تنها برای محصولات کشاورزی قابل اجراست و قابل تعمیم به بخش صنعت نخواهد بود.داشتن سیاست تجاری منسجم از ملزومات میباشد در صورت عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، داشتن یک سیاست منسجم تجاری از ضروریات است تا به واسطه قوانین مشخص، تجار بتوانند نسبت به مبادلات و سرمایه گذاری خود برنامه ریزی

نمایند/http://www.iranfinancehouse.com/importing-problems

وزارتخانه جدید و چالش‌های مدیریت واردات

احمد اخوی * مفهوم متداول مدیریت واردات در نزد مردم این است که واردات به موقع تسهیل و کنترل شود؛ به‌طوری‌که حرکت واردات در اقتصاد داخلی پیش‌بینی شده باشد و نتواند به سیلابی علیه تولید داخلی تبدیل شود. به این ترتیب، براساس مطالعاتی که تغییرات سالانه مصرف و تولید را بررسی و پیش‌بینی می‌کند؛ انواع نوسانات قیمت بازار کالاها و خدمات و تناظر آنها با مناسبت‌های مذهبی و تاریخی یا وقایع سیاسی و اجتماعی نشان داده می‌شود و دوره‌های تشدید یا تخفیف مدیریت واردات، به‌ویژه بر طبق مصالح تنظیم بازار تعیین می‌شود. به عنوان مثال، افزایش مصرف میوه به‌ویژه سیب و پرتقال در ایام فرارسیدن سال نو از مهم‌ترین مناسبت‌هایی است که دولت را به تلاش برای ذخیره‌سازی مقادیر قابل توجهی از این نوع میوه‌ها و ساماندهی شبکه‌های مدیریت و نظارت و بازرسی هوشمند و کسب اطلاعات از بازار این محصولات وامی‌دارد. اینجا، برای اینکه مدیریت واردات، کارآمد عمل کند لازم است قبل از هر چیز برآورد قابل اعتمادی از مصرف و تقاضای این محصولات طی ایام عید نوروز به صورت روزآمد و برخط در اختیار باشد. تقاضای سیب و پرتقال به صورت عمده شامل مصرف خانوارها، ضایعات و مواد اولیه صنایع آب‌میوه افشره و کمپوت‌سازی می‌باشد. طبق این مدل در زمان برداشت محصول توسط باغدار داخلی برای جلوگیری از اثر تکانه‌ای افزایش عرضه و سقوط قیمت میزان تعرفه واردات با افزایش، تعیین و اجرا می‌شود. این افزایش برحسب فاصله بازارهای مصرف از مبادی و مقدار هزینه مبادله باید متفاوت باشد؛ به طوری که در فصل برداشت کشاورزی، قیمت تمام شده واردات به اندازه کافی گران‌تر از قیمت تولید داخلی باشد و اجازه رقابت موثر را به آن ندهد. در این مدل از تنظیم بازار، مقارن با اتمام فصل برداشت و آمادگی بازار برای بالا-رفتن قیمت، مدیریت تنظیم بازار تعرفه محصول را کاهش و از افزایش سطح قیمت به نفع مصرف‌کننده جلوگیری می‌کند. تغییر نرخ تعرفه اگر چه جزو ساده‌ترین و خودکارترین ابزارهای «کنترل واردات» است، اما ابزارهای موثر دیگری نیز برای کنترل وجود دارد. به طور مثال، اگر قرار باشد برای واردات مجوز گرفته شود آن وقت مجوز واردات خود قیمتی پیدا می‌کند که حداکثر آن از حاصل ضرب تفاضل قیمت واردات (CIF) از قیمت داخلی و مقدار مجوز به دست می‌آید. حال چنانچه دولت مقدار مجوز را به اندازه فاصله تولید از موجودی یا نیاز داخلی صادر کند سوالی که پیش می‌آید این است که چگونه آن را توزیع خواهد کرد که شرایط بازار رقابتی محفوظ بماند و نیازی به کنترل قیمت و تداوم نظارت نباشد؟ اگر این مجوزها طبق ضوابط و مهلت مقرر بین آحاد خاصی توزیع شود به طور طبیعی آنان صاحب آن رانت(ویژه خواری) خواهند شد و چنانچه این جریان رانت مبتنی بر روابط خانوادگی یا حرفه‌ای معین یا لابی‌های پرقدرت شکل پیدا کند، می‌تواند تا مدتی با افزایش داغی بازار سود اضافی تولید کند. اگرچه لزوم اخذ مجوز از رایج‌ترین نوع موانع غیرتعرفه‌ای برای کنترل واردات است و طبق قانون برنامه پنجم توسعه موانع غیرتعرفه‌ای کلا-ممنوع می‌باشد، لکن این ماده طبق تبصره‌ای شامل محصولات کشاورزی نمی‌شود؛ ضمن اینکه در آیین‌نامه‌های اجرایی ثبت سفارش و اجازه واردات ممنوعیت موانع تعرفه‌ای عملا کان لم یکن می‌شود و دست وزارت بازرگانی نیز در اجرای این قانون کوتاه می‌ماند. البته توزیع واردات گاهی موکول به مجوزهایی است که برای شبکه توزیعی خاصی با هدف تنظیم بازار صادر می‌شود. باری، مجوز واردات در یک سناریوی رقابتی دیگر، می‌تواند برای فروش در نوعی از مزایده (مثلا-از طریق بورس)، در معرض رقابت و فروش قرار گیرد تا بخش رانتی قیمت واردات، به جای واردکنندگان نصیب خود دولت شود. در این نوع سازوکار درآمد دولت افزایش و فساد اداری و مالی کاهش پیدا می‌کند. در روش کنترل و نظارت بر واردات، نسبت به روش تجارت آزاد خارجی، مسوولیت بس بیشتری متوجه دولت است؛ زیرا هرگونه کمبود و گناهی که متوجه بخش خصوصی و یا ساز و کار بازار به‌لحاظ دسترسی و نوسان قیمت بوده است به دولت بر می‌گردد. به هرجهت، یکی

از مهم‌ترین بحث‌های آزادسازی کامل تجارت خارجی، چالش حمایت از تولید داخلی است. در حمایت از تولید داخلی به مساله اشتغال سپس به درآمد ملی و رهایی اقتصاد از رکود و شوق تولید استناد می‌شود و با این استنادات اغلب حامیان اشتغال و گروه‌های کم درآمد جامعه را با خود همراه می‌سازند. به عنوان مثال، طبق قانون برنامه توسعه قرار بود هر سال ۱۰ درصد از تعرفه اتومبیل وارداتی کسر شود؛ ولی حتی وقتی برای اولین سال اجرای برنامه پنجم، آن را دولت در قانون بودجه ۱۳۹۰ قرارداد مجلسیان با همین استدلال نگذاشتند سطح تعرفه از ۹۰ به ۸۰ درصد کاهش پیدا کند. البته این اولین بار نیست بلکه سناریویی است که در مورد صنایع خودرو با ساختار بازار شبه انحصاری بارها تکرار شده و تحت لوای «سند ملی حمایت» نه تنها از طریق جلوگیری از واردات، بلکه از طریق تغذیه تسهیلات و منابع مالی نیز از این صنایع حمایت شده است. از تحلیل‌ها و حکایت‌های فوق چنین نتیجه‌گیری می‌شود که حمایت از تولید داخلی وقتی در حوزه یک صنعت با ساختار شبه انحصاری باشد از مدیریت واردات یک سیاست حساس و شکننده‌ای ایجاد می‌کند که باید مواظب کنترل دولت بر موقتی بودن و هدفمندبودن حمایت‌ها باشد؛ زیرا در غیر این‌صورت حمایت دولت بر علیه مصرف‌کنندگان مورد سوء استفاده قرار خواهد گرفت. بدیهی است حمایت به طور خاص باید متمرکز بر صنایع با ساختار بازار رقابتی به‌ویژه صنایع کوچک و متوسط و همکاری صنایع بزرگ با این صنایع باشد. به علاوه، در مجموع این سیاست صحیح حمایتی، زمانی می‌تواند به برنامه ملی و اهداف میهنی جامه عمل بپوشاند که به سمت صنایع صادراتی و حتی به طور اخص، اختصاص بخشی از تولید به صادرات حرکت کند و تا جایی ادامه یابد که عمده نیازهای وارداتی از درآمد حاصل از محل صادرات غیرنفتی تامین گردد. *عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

http://www.nirvanasun.com/Default,fa-IR,nirvana,Content,NewsDetail,Key,۳۷۷.aspx

نقش واردات در اقتصاد کشور

ایران

موضوع واردات و ترکیب کالاهای وارداتی و تاثیر آن بر توازن پرداخت ها و صنایع داخلی یکی از مباحث مورد مداقه کارشناسان بوده و از این رو بر مدیریت واردات تاکید می گردد. بررسی بیست قلم عمده کالاهای وارداتی نشان می دهد کالاهای واسطه ای به لحاظ وزن و ارزش حائز رتبه اول بوده و به لحاظ کاربرد آنها در تولیدات داخلی و نهایتاً صادرات نوید حرکت نوین در بخش صنعت را می دهد معهذا شرایط کالاهای سرمایه ای متفاوت است زیرا به نسبت حجم اندك در واردات از ارزش بالاتری برخوردارند و متوسط قیمت کالاهای سرمایه ای نسبت به کالاهای واسطه ای و مصرفی بیشتر است و این امر نشات گرفته از جایگاه ممتاز صنایع تولیدکننده کالاهای سرمایه ای در پهنه تجارت جهانی بوده و استیلادر این عرصه تعیین کننده است. از سوی دیگر برخی از کالاهای استراتژیک کشاورزی نظیر گندم و جو طی سال های مورد بررسی جزو بیست قلم کالاهای عمده وارداتی قرار گرفته و روند صعودی می پیماید و تغییر جایگاه این گونه کالاها در رده بندی واردات کشور از عدم استراتژی مشخص و مدون در سیاست های کشاورزی خبر می دهد. بررسی آمار واردات نشان می دهد که قاره آسیا بویژه کشور امارات متحده عربی سهم عمده ای در صدور کالابه ایران دارند. تبدیل شدن امارات متحده عربی به دروازه تجارت در قاره آسیا شرایط ممتازی را برای این کشور به خصوص برای صادرات مجدد مهیا نموده است، موقعیت استراتژیک ایران و گستردگی مرزهای آبی به همراه یک برنامه ریزی مدون و توسعه و تجهیز گمرکات و بنادر امکان جایگزینی ایران به جای امارات متحده و یا شیفت بخش قابل توجهی از سطح مبادلات به سمت ایران را فراهم می نماید. از آنجا که آمار واردات بر حسب نوع معامله خبر از کاهش فرآیند واردات در مقابل صادرات می دهد کسب سهم مبادلات و جایگزین شدن به جای امارات در بهبود وضعیت فرآیند واردات در مقابل صادرات تاثیر شگرفی دارد. بررسی واردات برحسب قیمت های کتاب تعرفه شناخت دقیق تری از ترکیب و پیش بینی واردات ارائه می دهد

درصد ارزش کالاهای وارداتی بر حسب قسمت های تعرفه نشانگر سهم بالای کالاهای سرمایه ای در واردات و نیاز صنایع کشور به این گونه کالاهاست که ضرورت رقابت پذیری و تدوین استراتژی روشن در آن خصوص ضمن صرفه جویی ارزی و توانمند سازی صنعت، خوداتکایی و توسعه صادرات را در پی خواهد داشت. روند واردات در کشور واردات کشور از ۷/۳۹ میلیارد دلار در سال ۸۴ با رشد ۴۱ درصدی به ۵۶ میلیارد دلار در سال ۸۷ افزایش یافته و به لحاظ وزنی نیز از ۲/۳۴ میلیون تن در سال ۸۴ با رشد ۹/۲۸ درصد به ۱/۴۴ میلیون تن در سال ۸۷ رسیده است. بی تردید افزایش واردات ارتباط مستقیم با افزایش قیمت نفت (به طور متوسط) و درآمدهای نفتی کشور دارد و برای کنترل تورم همواره مقداری افزایش واردات تجویز می گردد. رقم بی سابقه ۵۶ میلیارد دلار واردات نشان از افزایش تقاضا برای کالاهای وارداتی دارد. این میزان واردات از ابعاد گوناگون قابل تفسیر و بررسی است. کارشناسان تفاسیر متعددی را ارائه می نمایند. از یک سو دلیل بالای میان واردات عدم رقابتی بودن صنعت، عدم دسترسی به تکنولوژی روز و کاهش بهره وری عنوان و از درغلتیدن جامعه به سمت فرهنگ مصرف گرایی هشدار داده می شود از سوی دیگر برخی واردات را مذموم نمی دانند و آن را برای مرحله جهش و رشد اقتصادی و صنعتی جهت توسعه تولید و صادرات ضروری می دانند. معهذا ترکیب کالاهای صادراتی غیرنفتی و کالاهای وارداتی و تراز بازرگانی موید تنگنا در بخش صنعت است که عدم پاسخگویی مناسب بخش صنعت به نیازها و سلایق مصرف کنندگان و رقابت پذیری آنها سبب وابستگی صنایع دولتی به بودجه عمومی گردیده است. به طوری که ملاحظه می گردد رقم قابل توجهی در بودجه عمومی سال جاری مربوط به زیان انباشته شرکت های دولتی بوده و از دیگر سو انفعال بخش خصوصی و به حاشیه رانده شدن این بخش فضایی را فراهم نموده تا برای تامین بخشی از نیازهای کشور ناگزیر به واردات شده ایم. تغییرات ارزش کالاهای وارداتی از ۰۳/۵ به ۷/۱۵ درصد افزایش یافته (یعنی ۳ برابر گردیده است) در حالی که تغییرات وزنی از ۱/۲۷ درصد به ۶ درصد کاهش یافته است. این امر حکایت از وقوع ۳ رویداد دارد. رویداد اول آنکه افزایش مطلق ارزش کالاهای وارداتی از ۷/۳۹ به ۵۶ میلیارد دلار و افزایش وزنی از ۲/۳۴ به ۱/۴۴ میلیون تن، به عبارت دیگر رشد ۴۱ درصدی ارزش و ۹/۲۸ درصدی وزن طی سال های مورد بررسی نشان از افزایش عمومی میل به واردات در کشور دارد. رویداد دوم حاکی از افزایش میل واردات با رویکرد کالاهای سرمایه ای و تجهیزات و ماشین آلات در کشور می باشد. رویداد سوم افزایش قیمت جهانی کالاهای ساخته شده ناشی از افزایش قیمت نفت و حامل های انرژی در سطح جهان است. ترکیب کالاهای وارداتی نشان می دهد کالاهای واسطه ای به لحاظ وزن بالغ بر ۸۵ درصد و به لحاظ ارزش بالغ بر ۷۰ درصد و کالاهای مصرفی بالغ بر ۱۲ درصد وزن و ارزش و کالاهای سرمایه ای بالغ بر ۲ درصد (وزن) و ۱۶ درصد (ارزش) بوده است. هر چند بیشترین میزان واردات مربوط به کالاهای واسطه ای است و به دلیل کاربرد آنها در تولید و صادرات امیدوارکننده است اما با توجه به شرایط اقلیمی و استفاده از فناوری های نوین و تکنیک های کشاورزی می توان نسبت به کاهش وابستگی به واردات آنها مبادرت نمود. همچنین اصلاح الگوی مصرف و تجدیدنظر در سیاست اعطای یارانه ها هم در مورد کالاهای کشاورزی و هم حامل های انرژی (واردات بنزین) منشا اثر است. متوسط قیمت ترکیب کالاها در سال ۸۶ برای کالاهای سرمایه ۷/۸ دلار، واسطه ای ۹۶/۰ دلار و مصرفی ۱/۱ دلار بوده است. تعمق در متوسط قیمت ها بویژه فاصله قیمت کالاهای سرمایه ای نسبت به واسطه ای و مصرفی (تقریباً ۸ برابری) جایگاه این گونه کالاها که به نوعی نشانگر متوسط قیمت جهانی آنها می باشد می تواند شکل بندی ما را در عرصه صادرات تشکیل دهد. چنانچه کشور ما به تولید و صادرات کالاهای سرمایه ای اقدام نماید هر چند که به لحاظ حجم و وزن اندک باشد ارزش افزوده بالاتر و درآمد بیشتری را نصیب کشور خواهد کرد. بنابراین شناسایی و اولویت بندی صنایع کشور که تولیدکننده اینگونه کالاهاست از اهمیت ویژه ای برخوردار است.از سوی دیگر ملاحظه می گردد حجم بالایی از واردات کشور (۲/۳۴ میلیارد دلار) را کالاهای واسطه ای تشکیل می دهد. روزنامه ایران(ایران اقتصادی)

نقش واردات در جلوگیری از بازتولید ثروت و رفاه اجتماعی

بسمانه پرموز

ملاحظه میشود که پس از بالا رفتن قیمت نفت در سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ ، رشـد نقدینگی کشور در حدود سه برابر رقم ثابت بوده است و این در حـالی است که تولیـد ناخـالص داخلی فقط ۲/۱ برابر رشـد را نشان میدهد (۱). این مسـئله به نوعی بیماری اقتصادی تبدیل شده است که علاوه بر تهدید تولیدات ملّی ، از طریق واردات کالای مصرفی نوعی گردش مالی کاذب و غیر مولّد در اقتصاد کشور بوجود آورده است که دایره ی دور باطل اقتصاد ملّی را هر روز بزرگتر از قبل نشان میدهـد .تصـمیم اخیر دولت در خصوص حـذف مجوزهای وارداتی و پایین آوردن تعرفه های واردات را نیز از چندین منظر میتوان بررسـی کرد که در زیر به آن میپردازیم .ـ نخست اینکه این تصمیم در جهت هرچه بالاتر بردن سرانه ی مصرف و به بهانه ی بالا بردن سطح رفاه عمومی جامعه صورت گرفته باشـد . اگر هـدف چنین تصـمیمی این باشـد ، جای بسـی تعجب است که چگونه دولت نهم که شـعار حمایت از تولید را در برنامه های خود قرار داده ، به تشویق واردات میپردازد و منافع بلند مدّت ملّی را اینگونه با تشویق دلّالان به صـرف کردن ثروت ملّی ناشـی از فروش منابع برگشت ناپـذیر نفتی که باید برای بالا بردن سـطح رفاه عمومی حقیقی جامعه صـرف شود ، در واردات و برای تامین منافع زودگذر ، اینگونه به خارج از کشور هدایت میکند ؟ـ دوم اینکه با توجه به نرخ تورّم جهانی ، که اتفاقا با حجم بالای وارداتی که به کشور داشـته ایم به ایران نیز ثرایت کرده و اثر گذاری شدیدی را نیز در رشد شاخص قیمتهای داخلی داشـته است ، دولت در صـدد این برآمـده که بـا توجیه بالاـ بردن عرضه نسبت به تقاضای موءثر بازار ، قسـمتی از تورّم وارداتی را خنثی نمایـد ! و یا اینکه تورم ذاتی کشور را که بخش بسیار بزرگی از آن متاثر است از ریخت و پاشـهای بی حساب و کتاب بانکها در تزریق منابع پولی به بخش بازرگانی و بورس بازی زمین و مسـکن که نتیجه ی خود را در بروز گردش مالی کاذبی در کشور نشان داده است ، با هرچه بالاـتر بردن طرف عرضه به نحوی درصـدد همپوشـانی عرضه و تقاضـای کـاذب بازار (که به تقاضای موثر جامعه ارتباطی نـدارد) بوده باشـد .اگر کـاهش تعرفه هـای وارداتی به بهـانه ی این بوده است که عرضه بالاـتر رود ، بایـد به این نکته توجه شود که بخش عمده ای از تقاضای امروز موجود در بازار داخلی ناشـی از واسـطه گری و دلال بازی کالای مصـرفی است و این مسـئله فقط در اثر ریخت و پـاش بی حسـاب و کتـاب پول توسـط نظام بانکی و تزریق آسان و بی برنامه ی منابع پولی کشور به بخش بازرگانی اتفاق افتاده است و چاره ای جز اصـلاح رفتار بانکهایی که اینگونه منابع پولی کشور را صـرف کرده انـد ، نمیتوانـد داشـته باشـد . قطعا با وقوع واردات گسترده ، بازهم این سـرمایه های سـرگردان کاذب ، در میان واسـطه هایی که تنها منافع ملّی برایشان معنایی نـدارد به جریان افتاده و گردش مالی بالایی را به سود آنان و دست بدست شدن کالایی که وارد میشود ایجاد میکند و شاخص بهای مصرف کننده نه تنها کاهش نمی یابد ، بلکه بالاتر هم خواهد رفت . چرا که در یک پژوهش مستند و کاملا علمی ثابت شده است که :ـ ((در اقتصاد ایران شاخص بهای کالاها و خـدمات وارداتی بعنوان نماینـده ای از متغیرهای فشار هزینه ، بیشترین تاثیر را بر تورّم دارد . به گونه ای که یـک واحـد افزایش در نرخ رشـد شـاخص بهـای کالاـ و خـدمات وارداتی ، به گونه ی میانگین ، به افزایش شاخص تورّم به میزان ۵۱/۰ واحـد در بلند مدّت منجرمیشود)) (۲) . این نشـان میدهـد انتقال تورّم جهانی به ایران که پس از بالارفتن قیمت نفت و بـا وقوع حجم شـصت میلیارد دلاری واردات به کشور با سـرعت بیشتری ادامه یافته ، با آسانتر شـدن واردات کالای مصـرفی رونـد قبلی را سـرعت بیشتری میدهـد و ساختـار نظام اقتصادی ایران را با چالشـی جـدّی که ویرانگر و پرسـرعت خواهـد بود مواجه میکنـد .ـ سومین دلیل هم این میتواند باشد که میخواهند دلارهای نفتی در خزانه نماند و در حسابهای خارجی هم پس انداز نشود و توجیه این مسئله هم اینگونه باشد که طی نسخه ی بانک مرکزی و برای مقابله با تورّم ناشی از بالارفتن حجم پول در گردش کشور ، بجای اسـتفاده از درآمـدهای نفتی برای به گردش انـداختن پول ارزان در جامعه ، به بهانه ی پیشـگیری از وقوع تورّم ، منابع پولی کشور را در کشوری دیگر خرج میکنند و بجای پول کالا وارد کشور میکنند تا از طرفی پولی به جامعه تزریق نکرده باشـند و حجم

پول را بالاـ نبرده باشند و از طرفی هم با فروش کالای وارداتی در بازار داخلی ، منابع پولی را از دست مردم جمع کنند و به این وسیله بجای چاپ پول جدیدی که نیاز فراوان به آن احساس میشود ، پول داخلی را از واردکنندگان بگیرند و دلار بجای آن خرج کنند تا بتوانند به ذعم بانک مرکزی ، اندکی از تنشهای اقتصاد متورّم ایران را به این بهانه و با توجیهی که آمد خنثی کنند !و با تورّم اینگونه مقابله کرده باشند ! و با بالا بردن مصرف زدگی عمومی در فضای جامعه ، سطح رفاه عمومی را بصورت مصنوعی و کاملاـ مقطعی بالاـ برده باشند . باید توجه داشت که اگر درآمدهای نفتی کشور در راه درستی خرج شوند و بگونه ای مولّد به اقتصاد کشور تزریق شوند ، میتوانند منشاء تحولات بزرگی برای توسعه ی این سرزمین قرار گیرند و سرعت توسعه ی اقتصادی ما را چندین برابر کنند . اگر به این بهانه که وارد شدن این درآمدها به جریان پولی کشور تورّم زاست میخواهند آنرا به پشتوانه ی واردات تبدیل کنند ، ثابت شده است که ((یک واحد افزایش در نرخ رشد نقدینگی ، بطور متوسط منجر به افزایش تورّم به میزان ۲۳/۰ واحد در بلند مدّت میشود))(۳) حال آنکه تاثیر گذاری واردات بر تورّم ۵۱/۰ درصد ، یعنی ۲۱/۲ برابر بالاـ رفتن حجم نقدینگی است . بعبارتی با هر واحد واردات کالای مصرفی معادل ۲۱/۲ برابر افزایش حجم نقدینگی به اقتصاد ملّی ایران تورّم تزریق خواهد شد . اگر این مسئله را در معادلات امروز اقتصاد جهان قرار دهیم ، درمی یابیم که با عملی شدن این سیاست چه حجم هولناکی از تخریب در اقتصاد ایران بوقوع خواهد پیوست .از طرفی ثابت شده است که ((یک واحد افزایش در نرخ رشد اقتصادی ، بطور متوسط منجر به کاهش شاخص تورّم به میزان ۴/۰ واحد در بلند مدّت میشود))(۴) . با این اوصاف درمی یابیم که اگر بتوانیم موازنه ای میان آزاد سازی حجم نقدینگی و رشد اقتصادی کشور برقرار سازیم و بخش بازرگانی را بجای تبدیل شدن به موتور واردات و در اختیار کالاهای بیگانه گذاردن بازار داخلی ، بسمت پشتیبانی از تولیدات وطنی هدایت کنیم و درآمدهای نفتی را برای گسترش تولید و بهره برداری از فرصتهای بکر و ذاتی اقتصاد کشور خرج و صرف نمائیم تا موجبات ایجاد ارزش افزوده و تکاثر ثروت را برایمان رقم زنند ، با وجود به گردش افتادن حجم بالای پول براحتی میتوان تورّم را کنترل نموده و حتی در صورت لزوم (که قطعا لازم است) آنرا با روندی منفی مواجه سازیم . چرا که اینبار گردش مالی کاذب جامعه جای خود را به گردش مالی مولّدی خواهد داد که در کنار بالا رفتن تولید بعنوان سوپاپ اطمینانی کاملا طبیعی تقاضای موثر کل جامعه را پاسخگوست . اگر از زاویه ای دیگر به موضوع نگاه کنیم ؛ در کشور ما تورّم عبارتست از بی تولیدی جامعه . چرا که در یک جامعه ی بی تولید حجم بزرگی از منابع مالی کشور بسمت واسطه گری کالاهای مصرفی میرود و با ایجاد گردش مالی کاذب ، موجبات دور باطل همه ی بخشهای اقتصادی را رقم میزنند .حال آنکه در صورت رونق بخش تولید منابع مالی بصورت طبیعی به این بخش هدایت میشوند و علاوه بر اینکه جامعه از مصرف زدگی کالای خارجی نجات می یابد ، تقاضای بازار نیز بدلیل عدم وجود پولهای سرگردان درسطح حقیقی خود حفظ میشود و تقاضای دلال بازی نیز به پایین ترین سطح خود نزول میکند . امروز در این سرزمین ظرفیتهای بالقوّه ی اقتصادی نیازمند همّت شهروندان و تزریق منابع پولی غیر گران است تا به باروری رسند و در صورتی که مخالف نسخه ی پیچیده شده برای تحریک واردات عمل شود و منابع پولی حاصل از فروش نفت با بهره ی لایبور که بیشتر از بهره ای است که به سپرده های کشور در بانکهای اروپایی داده میشود ، به بخشهای مولّد اقتصادی تزریق شوند و دور از هیاهوی رایج ایجاد شده توسط بدخواهان تولید ، فقط به بخش تولید تزریق شوند و پشتوانه ی گسترش تولیدات وطنی قرار گیرند ، در آینده ی نزدیک باروری فرصتهای بکر سازندگی ایران عزیز را شاهد خواهیم بود و بجای اینکه طبق نسخه های وارداتی درآمد نفت را به پشتوانه ی مصرف گرایی بدل کرده باشیم ، آنرا پایه ای قرار داده ایم برای رشد حقیقی اقتصادی و تکاثر ثروت و بالا رفتن سطح رفاه عمومی جامعه ، چرا که در این راه از همه گونه پیش شرطها و ظرفیتهای مورد نیاز بهره مندیم .در خاتمه لازم میدانم به همه عزیزانی که در فکر سربلندی این آب و خاک هستند ، هشداری دهم . سیاستهای یک بام و دو هوای تجاری کشور ما که سابقه ای بس طولانی دارد ، موجب شده است تا هیچ یک از فعالان اقتصادی نتوانند توان برنامه ریزی داشته باشند و در نتیجه در بسیاری از بخشهای پایه ای

اقتصاد ملّی با دور باطلی سخت مواجه باشیم . این مسئله موجبات فرار از تولید را در بسیاری از شهروندانی که در اصل سرمایه های ملّی ما هستند و میتوانند به بهترین تولید کنندگان عرصه های مختلف تبدیل شوند را فراهم کرده است و در نتیجه باعث گرایش شدید نسلهای جوان کشور بسمت مشاغل غیر مولّد شده است . بعبارتی در کشور ما تولید گرایی جای خود را به دلّال مآبی داده است و اقتصاد اجتماعی ایران را بسیار آسیب پذیر نموده است .این مسله به تغییر جهت فرهنگی بسیار مضرّی در کشور انجامیده که بسیار خطرناك است و اگر وضع بر همین روند ادامه یابد ، همه ی ملّت ایران را دشمن شاد میکند . چرا که در آینده ی نزدیک همه ی ملّت مصرف کننده خواهند بود و تولیدی باقی نمی ماند که برایمان ایجاد ارزش و پشتوانه ی اقتصادی نماید . چشم انداز نگران کننده ی این مسئله جامعه ای بی تولید را نشان میدهد که فقر در آن بیداد میکند و کوچکترین اثری از عدالت را در آن نمیتوان یافت . پس بیایید دست در دست هم بشتابیم برای حمایت واقعی از اقتصاد ملّی و بارور کردن ظرفیتهای بالقوّه ی آن و شکوفا نمودن تولیدات وطنی و ارج نهادن به تولید گرایی و ثروت آفرینی در پرتو حرکت دوشادوش تولید و بازرگانی در راستای منافع جمعی ایرانیان. http://www.aftab.ir/

مدیریت واردات با ابزار نرخ تعرفه یا نرخ ارز

؟حمید زمان زاده

برای سال‌های سال است که حجم عظیم واردات متکی بر درآمدهای نفتی به معضلی برای تولید ملی ایران بدل شده است. اکنون و در دوره تشدید تحریم‌ها، بحث بر سر مدیریت و کنترل واردات به عنوان روشی برای مقابله با تحریم‌ها شدت گرفته است. بر اساس مواضع وزارت بازرگانی «دولت و وزارت بازرگانی تنها ابزاری که برای کنترل در زمینه واردات دارد، افزایش تعرفه‌ها است؛ اما بر اساس قانون برنامه چهارم توسعه امکان جلوگیری از واردات توسط وزارت بازرگانی وجود ندارد.» بر این اساس قرار است اصلاح قانون مربوط به تعرفه‌ها در برنامه چهارم توسعه در راستای افزایش تعرفه‌ها به عنوان ابزار کنترل واردات در دستور کار مجلس و دولت قرار گیرد که البته ظاهرا راه‌هایی برای عبور از آن پیدا شده است.عموم اقتصاددانان بر این اعتقاد هستند که گسترش تجارت خارجی و هم‌پیوندی اقتصادی هر کشور با سایر کشورها، یکی از موتورهای محرك رشد و توسعه اقتصادی است و البته مبانی علمی‌محکم برای اثبات این ادعا وجود دارد؛ اما باید توجه نمود که مساله تجارت خارجی ایران، دارای یک فاکتور بسیار مهم و تعیین کننده است که نادیده انگاشتن آن می‌تواند هزینه‌هایی گزاف را بر دوش اقتصاد کشور تحمیل کند. این فاکتور مهم و تعیین‌کننده، درآمدهای سرشار نفتی است. مشکل این جا است که بخش عمده واردات در ایران متکی بر درآمدهای ناشی از صادرات غیرنفتی نیست، بلکه از طریق درآمدهای نفتی، تامین مالی می‌گردد و این امر نه به هم‌پیوندی اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی که به وابستگی اقتصاد ایران به اقتصاد جهانی و درآمدهای نفتی انجامیده است.در واقع سیل وارداتی که از طریق درآمدهای نفت تامین مالی گردد، نتیجه‌ای جز وابستگی روزافزون اقتصاد ملی ایران و تضعیف تولید داخلی و گسترش بیکاری در کشور ندارد. بر این اساس جای تردید نیست که جلوگیری از واردات گسترده کالاهای خارجی یکی از مهم‌ترین ابزارهای نجات تولید داخلی کشور است؛ اما سوال مهم این است که آیا افزایش تعرفه‌های تجاری یا دیوار غیر تعرفه‌ای تنها ابزار و بهترین ابزار برای مدیریت و کنترل واردات است؟ بر اساس مبانی علم اقتصاد، پاسخ به هر دو سوال فوق، منفی است. علاوه بر افزایش تعرفه‌های تجاری و گسترش محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای بر واردات، افزایش نرخ ارز (کاهش ارزش ریال در برابر سایر ارزها) نیز از ابزارهای اصلی کنترل و جلوگیری از واردات است. بنابراین افزایش تعرفه‌های تجاری، تنها ابزار دولت و وزارت بازرگانی برای مقابله با واردات گسترده نیست. به علاوه مساله مهم‌تر این است که افزایش نرخ ارز، قطعا ابزار کارآمدتر و موثرتری برای مقابله با واردات است. در میان ابزارهای مقابله با واردات، گسترش محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای بر واردات، قطعا نامناسب‌ترین سیاست ممکن در

مقابله با واردات است؛ چرا که نه تنها اعمال این سیاست در کنترل واردت، چندان موثر واقع نمی گردد، بلکه موجب گسترش زمینه‌های رانت‌جویی و فساد اقتصادی و گسترش بی‌عدالتی و ناکارآیی در اقتصاد کشور می گردد. تجربه تاریخی اقتصاد کشور نیز عدم کارآیی آن را در دستیابی به اهداف تعیین‌شده تایید می کند. اعمال تعرفه‌های تجاری بالاتر نیز اگرچه از سهمیه‌بندی واردات، سیاست بهتری تلقی می گردد و برای دولت نیز درآمدزا است، اما دو ناکارآمدی عمده دارد؛ اول اینکه افزایش تعرفه‌ها، اگر چه واردات از مبادی گمرکی را کاهش خواهد داد، اما موجب افزایش سودآوری قاچاق کالا ـ و در نتیجه افزایش حجم واردات زیرزمینی در اقتصاد کشور و گسترش فساد اقتصادی می گردد. دوم اینکه سیاست افزایش تعرفه‌ها منجر به بروز عدم تعادل‌های بزرگ اقتصادی خواهد شد که بازگشت از آن در زمان آینده، بسیار پرهزینه خواهد بود و گریبان اقتصاد ایران را خواهد گرفت. به علاوه، این سیاست برای شرکای تجاری ایران، سیاست قابل قبولی نخواهد بود و به خصوص هزینه‌های اقتصاد ایران را در پیوستن به سازمان تجارت جهانی افزایش خواهد داد. در نهایت اینکه سیاست افزایش تعرفه‌ها هیچ کمکی به افزایش صادرات غیرنفتی ایران نخواهد کرد؛ اما ابزار افزایش نرخ ارز نه تنها واردات از مبادی رسمی را کاهش خواهد داد، بلکه مهم‌تر از آن از طریق کاهش سودآوری قاچاق، واردات زیرزمینی را نیز کاهش خواهد داد. به علاوه افزایش نرخ ارز نه تنها به افزایش قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی در برابر سیل واردات کالاهای خارجی خواهد انجامید، بلکه قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی را در بازارهای بین‌المللی افزایش داده و در نتیجه توان صادرات غیرنفتی کشور را افزایش خواهد داد.واقعیت این است که در سال‌های اخیر به واسطه تثبیت نرخ اسمی‌ارز به پشتوانه درآمدهای نفتی و با توجه به شرایط تورمی‌اقتصاد ایران، نرخ واقعی ارز در ایران به شدت کاهش یافته است و همین امر مهم‌ترین عامل افزایش گسترده واردات کالاهای خارجی به کشور است. اکنون کلید اصلی بازگشت از این مسیر نیز نرخ ارز است. با توجه به مباحث فوق روشن است که افزایش نرخ ارز، ابزار موثرتر و کارآمدتری نسبت به افزایش نرخ تعرفه‌ها برای مقابله با سیل واردات است. در واقع، افزایش نرخ تعرفه برای کنترل واردات به عنوان استثنایی بر یک قاعده می‌تواند در جای خود مفید واقع گردد، اما اگر این استثنا خود به یک قاعده بدل شود، هزینه‌های آن برای اقتصاد کشور گزاف خواهد بود. اکنون سوال این است که دولت و وزارت بازرگانی در نهایت کدام ابزار را برای مقابله با واردات انتخاب خواهند نمود و چرا این ابزار انتخاب خواهد شد؟http://www.fardanews.com

حمایت از تولید ملی نیازمند سیاستهای مکمل کنترل واردات

محسن شمشیری

به دنبال نام گذاری سال ۹۰ با عنوان جهاد اقتصادی، سال ۱۳۹۱ نیز سال حمایت از تولید ملی نام گرفت که به نظر می رسد پیرو نام گذاری سال های قبل با عنوان های اصلاح الگوی مصرف، جهاد اقتصادی و اجرای سیاست های طرح تحول و هدفمندی یارانه ها و... اکنون در شرایطی هستیم که کشور به خاطر افزایش تحریم های بانکی و نفتی، رشد نرخ ارز، ضرورت کاهش بیکاری ۱۳ تا ۱۴ درصدی اقتصاد ایران و.... نیازمند توجه به تولید ملی است.به خصوص از آن جا که هزینه تولید به خاطر هدفمندی یارانه ها و رشد هزینه سوخت، رشد تورم سال های اخیر، رشد هزینه های سرمایه گذاری برای ایجاد هر واحد تولیدی افزایش یافته و متوسط هزینه احداث هر واحد صنعتی، از ۸۰۰ میلیون تومان در سال ۸۳ به حدود ۵ میلیارد تومان در سال جاری افزایش رسیده و چند برابر شده است، لذا ضروری است که اقتصاد ایران و مسوولان دولتی و بانکی وسایر دستگاه های اجرایی ، توجه خود را به تولید کشور افزایش دهند.خوشبختانه، اقتصاد ایران با شانس رشد نرخ ارز مواجه شده و در سال ۹۰ نرخ دلار بازار آزاد از ۱۰۰۰ تومان تا ۱۹۰۰ تومان افزایش یافت و در نتیجه توجه به تولید داخلی به جای واردات بیشتر شدو میزان صادرات غیر نفتی نیز به مرز ۵۰ میلیارد دلار نزدیک شد. این درخواستی بود که کارشناسان اقتصادی در ۱۰ سال اخیر بارها مطرح کرده اند اما به خاطر رشد درآمد نفت و

وابستگی بودجه دولت به نفت و در نتیجه نیاز به واردات بیشتر، نرخ ارز همواره ثابت بوده و در مقایسه با تورم رشد بسیار کمی داشته است.اما در سال ۱۳۹۰ در اثر رشد نرخ ارز و دوبرابر شدن آن در مقابل ریال، شاهد رشد صادرات غیر نفتی، کاهش مسافرت های خارجی و خرید کالاهای خارجی بودیم و بسیاری از شرکت ها و وارد کنندگان کالای خارجی، برای مدتی از عرضه کالای خود پرهیز می کردند تا با نرخ بالاتر بفروشند.اما واقعیت این است که تولید ایرانی سال ها به خاطر ثابت ماندن نرخ ارز در معرض تهدید واردات بوده است و در شرایطی که تولید ایرانی در اثر تورم، با رشد هزینه مواجه بوده، کالای خارجی به طور مستمر به خاطر نرخ دلار ثابت، تشویق شده است.اماحالا فرصتی فراهم شده که تولید داخلی بتواند خود را در برابر کالای خارجی نشان دهد ودر شرایط تحریم بانکی ونفتی و رشد نرخ ارز، این تولید داخلی است که اقتصاد کشور را در شرایط تحریم و... به پیش خواهد برد.خوشبختانه بخشی از مسوولان کشور، سال هاست که از ضرورت حمایت از تولید داخلی، سخن گفته اند و از واردات بی رویه انتقاد کرده اند. آنها تاکید دارند که در شرایطی که کالای مشابه ایرانی با کیفیت وقیمت مناسب وجود دارد، نباید به مصرف کالای خارجی عادت کنیم زیرا خرید کالای داخلی به معنای حمایت از اشتغال جوانان خودمان و فرزندان ایران است و از سرمایه گذار ایرانی حمایت کرده ایم اما وقتی از کالای خارجی استفاده می کنیم در واقع از سرمایه گذار وکارگر خارجی و وارد کننده حمایت کرده ایم.احساس امنیت و باور تولید کننده و سرمایه گذار ایرانی از حمایت مردم و دولتاگر چه مردم به کیفیت و قیمت توجه دارند و اداره نظارت بر استاندارد باید کار نظارتی خود را هم بر تولید داخلی و هر بر واردات درست انجام دهند تا مردم کالای با کیفیت و قیمت مناسب را خریداری کنند اما در عین حال باید توجه داشت که بدون شبکه توزیع مناسب و بدون تداوم سیاست های حمایتی، سرمایه گذار و تولید کننده نمی توانند تشویق به تولید کالای با کیفیت و با قیمت مناسب شوند و در بازار نخواهند ماند.سرمایه گذار و تولید کننده زمانی در بازار تولید و توزیع حضور می یابند که احساس کنند سیاست های نرخ ارز، قیمت گذاری کالا، وام بانکی، نرخ سود و سایر هزینه های مالی و تولید، قوانین کار و مالیات و سرمایه و...بهتر شده اند و هر چهار بازار کالا، پول، کار وسرمایه، با شفافیت و کارایی مناسب همراه باشند.اگر چه رشد نرخ ارز و هدفمندی یارانه ها برای آن که بخشی از تولید کشور حمایت شود کافی است و مردم به سمت تولید داخلی تشویق شده اند وتولید داخلی تا حدودی حمایت شده و شاهد توجه بیشتر مردم به جنس داخلی به جای جنس خارجی هستیم اما سرمایه گذار و تولید کنندگان نمی توانند سرمایه گذاری و آینده خود را بر مبنای یک اتفاق یعنی افزایش نرخ ارز و هدفمندی یارانه ها به پیش ببرند و لذا لازم است که مسوولان کشور، بلافاصله نرخ تعرفه، نرخ مالیات بر ارزش افزوده و سایر مالیات ها و عوارض، نرخ سود بانکی، نرخ دستمزد و تشویق تولید کننده به استفاده از کارگر بیشتر با هدف کاهش بیکاری، .... را در نظر داشته باشند.حمایت خاص از تولید با حمایت تعرفه اینمونه موفق این سیاست ها در سال های اخیر، خوشبختانه پیش روی مردم ومسوولان است و حمایت خاص از خودروسازان از طریق تعرفه ۹۰ درصدی، تامین اعتبار مالی و.... نشان می دهد که خودروسازان تولید سالی ۱.۵ میلیون خودرو با ۲۰ هزار میلیارد تومان گردش مالی و ۲ میلیون شغل مستقیم و غیر مستقیم را ایجاد کرده اند. یعنی با یک سیاست موثر تعرفه ۹۰ درصدی، این همه مواهب و عواید برای کشور داشته و خودروساز ایرانی از سال ۱۳۷۲ تاکنون با همین چند سیاست، به خودروساز جهانی وصادر کننده موفق در منطقه تبدیل شده است.اگر این نگاه به خودروسازان به چند صنعت بومی و تاریخی ایران، یعنی صنعت نساجی، کیف وکفش و... نیز تعمیم داده شود و یاحداقل با تعرفه ۴۰ تا ۵۰ درصدی از این صنایع قدیمی و ریشه دار و صنایع غذایی حمایت کنیم متوجه خواهیم شد که نه تنها ایرانی، کالا-و خودرو و پارچه و کفش و مواد غذایی ایرانی مصرف می کند بلکه کشورهای دیگر را نیز تشویق به واردات کالا-از ایران خواهد کرد.همان طور که در گذشته، ایران صادر کننده غلات به دنیا بوده و استان سیستان وبلوچستان انبار غله ایران نام گرفته بود و از پنبه گرفته تا رب گوجه و کفش و چرم وفرش و....از ایران صادرمی شد، اکنون نیز می توانیم با سیاست های ارزی، بانکی، گمرکی و تعرفه ای مناسب، شاهد رشد دوباره صنایع و کالای ایرانی در بازار داخلی و خارجی

باشیم.دهه تحول اقتصادی ، دهه ۱۳۹۰ نام گذاری سال ۹۱ به نـام حمایت از تولیـد ملی، از دوجهت قابل توجه است، اول این نکته اقتصاد ایران دهه ای را پیش رو دارد که فارغ از هر گونه تحول سیاسی و سمت وسوی آن، با رشد درآمد نفت وگاز و ارتقای جایگاه ایران در جهان به خاطر منابع انرژی فراوان، مواجه خواهد بود و ایران در منطقه ای قرار دارد که به خاطردرآمد نفت و فعالیت های عمرانی گسترده، سال ها با تحولات بزرگ و گردش مالی بسیار مواجه خواهد شد و بازارهای مختلف در حال گسترش خواهد بود. کشورهایی مانند عراق، ترکیه، هند و پاکستان، قطر و امارات و عربستان و... در سال های اخیر هم با رشد درآمد نفت وگاز و هم با تحولات صنعتی و عمرانی و بازارهای مختلف همراه هستند و ایران نیز به عنوان یک کشور نفتی و با رشد جمعیت قابل توجه، در حال توسعه صنایع و بازارهای مختلف است. لذا مردم ایران و اقتصاد جهان انتظار دارد که تحت تاثیر چنین تحولاتی، اقتصاد ایران متاثر از جایگاه ایران در جهان و در منطقه، از رشد و توسعه خوبی برخوردار باشد و دهه ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ دهه تحول اقتصادی، توسعه وپیشرفت باشد.نکته دیگر این نکته اساسی است که اقتصاد ایران تحت تاثیر تحریم های بانکی ونفتی و ... توسط کشورهای غربی، برای عبور از این محدودیت ها، باید به توان خود تکیه داشته باشد و با استفاده از مزیت های طبیعی و جغرافیایی، از این مرحله عبور کند. لذا شعار خودکفایی، مصرف کالای تولید ملی، حمایت از تولید واشتغال و سرمایه گذاری ملی، بار دیگر مورد توجه کارشناسان و مسوولان کشور قرار گرفته است.حمایت از تولید ملی برای نتیجه دادن نیازمند یک برنامه میان مدت و بلندمدت استامید است که حمایت از تولید ملی، به یک استراتژی بلندمدت حداقل ۲۰ ساله تبدیل شود تا عواید آن به تدریج نصیب تولید و اشتغال و سرمایه گذاری داخلی شود. زیرا باید توجه داشته باشیم که حمایت از تولید ملی تنها یک برنامه یک ساله نیست و به زیرساخت ها و زیربناسازی نیاز دارد. یعنی باید سیاست ها اصلاح شود، نرخ ارز و تورم، نرخ بهره، تعرفه ها، قوانین کار ومالیات، اصلاح شبکه توزیع، بسته بندی وبازاریابی، برندسازی و معرفی نام های تجاری معتبر ایرانی و جلب نظر مشتریان، و... باید در دستور کار باشد و هر یک از این سیاست ها تنها بخشی از بازار را حمایت می کند و این سیاست ها حداقل برای چند سال مورد توجه باشد تا اطمینان واعتماد تولید کننده و سرمایه گذار را جلب کند و تولید کننده از حمایت مردم در مصرف کالای داخلی مطمئن شود.قیمت گذاری ها، کنترل ها، متناسب بودن واردات کالا با میزان واقعی کمبود داخلی و... نیز بسیار نقش دارد و اگر تولید کننده احساس کند که با یک رقابت نابرابر از سوی واردات کالای خارجی و دولت ایران مواجه شود، قادر به تداوم کار خود نیست. به عبارت دیگر، اگر در فصل برداشت موادغذایی، یا عرضه کالای یک کارخانه یا یک صنعت، با واردات کالای خارجی با نرخ ارز ارزان و با حمایت یک سازمان دولتی مثلا وزارت صنعت، معدن و تجارت همراه شویم، در آن صورت، تولید کننده یا از بازار خارج می شود و یا به تولید فکر نخواهد کرد.بسیاری از تولید کنندگان در سال های اخیر به وارد کننده کالا تبدیل شده اند و با ارسال برند یا نام تجاری خود، و تولید کالا در چین، وانمود کرده اند که تولید کننده ایرانی هستند و با این کار دردسر تولید، کارگر و... را نداشته اند و با نرخ دلار ارزان اقدام به واردات کرده اند.اما در شرایط فعلی، رشد نرخ ارز باعث می شود که تولید کننده به تولید داخلی توجه کند اما باید سایر سیاست های مکمل مانند تعرفه ها، زمان برداشت وعرضه کالا، میزان واردات، قیمت و کیفیت کالای داخلی و خارجی و....نیز درست شود تا قدرت رقابتی تولید کننده داخلی افزایش یابد.وظایف دولت و تشکل های صنفیمسوول تدبیر و تنظیم سیاست های بازار کالا، و ایجاد شفافیت در بازارهای کار، پول، سرمایه و کالا، دولت و تشکل های صنفی و صنعتی هستند و اگر سیاست های نرخ ارز، سیاست های مالی و پولی و بانکی، نرخ تعرفه، مالیات و قوانین کار و... به عنوان سیاست های مکمل مورد توجه قرار گیرد، قطعا قدرت رقابتی تولید داخلی افزایش خواهدیافت و شاهد حضور کالای باکیفیت و قیمت مناسب ایرانی و حمایت مردم از تولید و کارگر و سرمایه گذار ایرانی خواهیم بود. نکته دیگر توجه به این موضوع است که توسعه اقتصادی، نیازمند یک روند چند ساله و حداقل یک دهه است وبرنامه حمایت از تولید ملی به دنبال توجه به اصلاح الگوی مصرف، جهاد اقتصادی وطرح های تحول و هدفمندی یارانه ها، اقتصاد کشور را در جهت توسعه به

پیش می برد و دوم این که در سال تشدید تحریم های کشورهای متعارف، حمایت از تولید ملی می تواند کشور را از شرایط تحریم عبور دهد از آن جا که دهه پیش رو، به نام دهه عدالت و توسعه و پیشرفت مورد توجه قرار گرفته، در نتیجه با هر خط و مشی و مسیری که سیاست داخلی و خارجی ایران در پیش بگیرد، ملت ایران و مسوولان تاکید دارند که شاخص های اقتصادی ایران باید متناسب با شان ملت ایران در منطقه رشد کند و شاهد پیشرفت اقتصاد و قدرت ایران باشیم و از آن جا که ایران به عنوان یک کشور مقتدر و با فرهنگ و پیشینه تاریخی در منطقه مطرح است، لذا از نظر شاخص های قدرت اقتصادی نیز ایران نباید از کشورهای منطقه عقب بیفتد و همان طور که قبلا تاکید شده ایران باید در چشم انداز ۱۴۰۴ به کشور اول منطقه تبدیل شود زیرا از جهت مزیت های اقتصادی مانند معادن نفت و گاز و فلزات و.... نیز قوی تر از کشورهای منطقه است.در سال های بعد از جنگ، اقتصاد ایران در تامین مایحتاج اولیه و معیشتی، خود قادر به راه اندازی انواع تولیدات مواد اولیه، رشد محصولات کشاورزی و انواع کارخانه های صنعتی بوده وامروز نه تنها نیازهای خود از قبیل خودرو، صنایع غذایی و... را تامین می کند بلکه روند صادرات کالاهای صنعتی رشد فزاینده داشته و در سال ۹۰ شاهد صادرات غیرنفتی به میزان نزدیک به ۵۰ میلیارد دلار بوده ایم و لذا وقت آن رسیده که با حمایت از تولید ملی، از سایر کالاهای تولید داخلی مانند روندی که در خودروسازی شاهد بودیم، حمایت شود.جامعه ایران متناسب با شان تاریخ کهن و جایگاه امروز خود در جهان و متناسب با مزیت های گسترده طبیعی و جغرافیایی، باید شاخص های اقتصادی و تولیدی خود را ارتقا دهد تا شاخص های رفاهی، تولیدی، خدماتی وسایر شاخص های اقتصادی را متناسب با مزیت های معدنی، صنعتی، آب وهوایی، گردشگری و... خود ارتقا دهد.در شرایطی که بسیاری از کشورهای اسلامی و کشورهای همسایه درمنطقه خاورمیانه و آسیا، در سال های اخیر پابه عرصه کشورهای در حال توسعه و نوظهور گذاشته اند و با رشد شاخص های اقتصادی و ثروت فردی و اجتماعی همراه بوده اند، شایسته است که ایران نیز متناسب با جایگاه فرهنگی و سیاسی خود و به عنوان پیشتاز کشورهای منطقه، موضوع افزایش قدرت رقابت اقتصادی و تجاری خود را مورد توجه قرار دهد و تجربه تاریخ اقتصاد جهان نیز نشان می دهد که هیچ کشوری بدون توجه به اصلاح ساختار اقتصاد و حمایت از تولید ملی خود قادر به رشد شاخص های اقتصادی و توان تجاری خود نبوده است و همان طور که ژاپن و کره جنوبی و مالزی، با حمایت از تولید داخلی خود، روند توسعه را طی کرده اند، اقتصاد ایران نیز باید به این مهم توجه کند و مسیر توسعه را باحمایت از کالا و کارگر وسرمایه گذار داخلی خود به پیش ببرد و باور کند که ایرانی باید جنس ایرانی مصرف کند....افزایش قدرت رقابتی تولید داخلیدر سال های اخیر برخی سیاست های اصلاح ساختار و تحول اقتصادی نظیر سیاست های کلی اصل ۴۴، خصوصی سازی، طرح های عمرانی، هدفمندی یارانه ها و.... اجرا شده و تاحدودی اثر گذار بوده است اما برای اثر گذاری بر شاخص های اقتصادی و رشد سرمایه گذاری بخش خصوصی، بهبود بانکداری، صنعت، توسعه صنعت نفت وگاز و... باید جدی تر و شفاف تر عمل شود تا خصوصی سازی واقعی را شاهد باشیم و کارایی مدیریت بهتر شود. زیرا تا زمانی که بخش خصوصی، دولت و بخش های دولتی را رقیب خود می بیند، نمی توان انتظار داشت که تولید ملی با قدرت رقابتی بالاتری نسبت به کالای خارجی همراه باشد.سال گذشته یعنی سال ۹۰ به عنوان آغازگر دهه ۱۳۹۰ با نام گذاری سال جهاد اقتصادی همراه شد و اگر چه در این سال اقداماتی از سوی دولت و بخش خصوصی در راستای بهبود شاخص های اقتصادی صورت گرفت اما این سیاست ها کافی نبوده و با یک سال نیز نمی توان انتظار بهبود زیاد را داشت، لذا باید استراتژی حمایت از تولید ملی و جهاد اقتصادی را از خود دولت شروع کنیم و دولت تاحد ممکن راه را برای تولید داخلی و کاهش واردات کالاـ باز کند. زیرا اگر تولید کننده احساس کند که دولت همچنان تمایل به واردات کالای خارجی دارد، نمی تواند به رقابت بپردازد. دولت نباید به بهانه های مختلف اجازه واردات کالا به خصوص در فصل برداشت و عرضه کالای داخلی را بدهد.طبیعی است که این جهاد بزرگ اقتصادی، تنها با برنامه های یکساله تحقق نمی یابد و باید حداقل یک دهه با اولویت دادن به برنامه های متعدد در بخش های مختلف اقتصادی، شاهد این جهاد و تحول بزرگ اقتصادی در

کشور باشیم. لازم است یادآور شویم که جهاد و توسعه اقتصادی باید چند سال متوالی در دستور کار مسوولان و همه افراد جامعه قرار گیرد تا عواید آن به تدریج نمایان شود.پیشرفت و توسعه اقتصادی یک کشور، فرآیندی است که در یک برنامه ۲۰ ساله و در چند برنامه پنجساله باید در اولویت های یک کشور باشد و به تدریج با شکل گیری باورها و طراحی برنامه های متناسب با مزیت های اقتصادی و اجتماعی شکل بگیرد.به عبارت دیگر، برای آن که صنایع بومی و خودکفا و متکی بر توانایی های داخلی داشته باشیم. باید از تربیت نیروی انسانی و دانشگاه ها، مراکز فنی وحرفه ای وهنرستان ها و حتی از آموزش ابتدایی باید کار را آغاز کنیم تا نیروی انسانی مورد نیاز در دهه آینده و حتی دو دهه آینده را از حالا- تربیت کنیم.جهاد اقتصادی آغاز شده در سال ۹۰ باید پیگیری شود و دوم این که جهاد اقتصادی و رشد و پیشرفت و بالندگی اقتصادی در جامعه ایران، فرآیندی است که حداقل باید در طول یک دهه به طور مستمر در اولویت و برنامه ریزی حکومت و جامعه باشد.براین اساس، لازم است یادآور شویم که حمایت از تولید ملی، نیازمند بسترسازی و مکانیزم ها وسیاست هایی است که بدون آنها نمی توان تولید ملی را حمایت کرد.برخی از این سیاست ها، نیازمند اصلاح روند چند سال اخیر و اشتباهاتی است که متناسب با ماهیت و شرایط اقتصاد، به آن دچار شده ایم و ساختار اقتصاد ایران با برخی خلاف قاعده ها و بی نظمی هاو بی انضباطی ها مواجه بوده است که باید بر طرف شود. به عنوان مثال، با وجود آن که در سال های اول انقلاب، مصرف گرایی را نادرست ارزیابی کردیم و واردات بی رویه را نادرست می خواندیم اما به خاطر وابستگی بودجه دولت به نفت، در سال های اخیر شاهد رشد بی رویه واردات کالا از خارج بوده ایم و نرخ ارزنفتی نیز به حدی پایین بوده که باعث تشویق واردات کالای خارجی به جای مصرف تولید داخلی شده است.مجموعه دیگری از سیاست ها که باید جهت افزایش قدرت رقابتی تولید داخلی استفاده شود، ساده سازی قوانین کار و بیمه و مالیات و.... است تا تولید کننده از کارگر ایرانی بیشتر استفاده کند و بیکاری کاهش یابد . علاوه بر این قوانین باید هزینه تولید و راه اندازی کارخانه ها کاهش یابد.حمایت های خاص و تعرفه اینوع دیگری از حمایت ها باید از طریق افزایش تعرفه واردات کالاهای خارجی انجام شود. اگر چه خوشبختانه به خاطر رشد نسبی نرخ ارز تاحدودی، واردات کالای خارجی نسبت به قبل گران تر شده و تولید داخلی وکالای ایرانی قدرت رقابت بیشتری یافته اما واقعیت این است که نرخ پایین تعرفه ها و واردات بی موقع محصولات خارجی به خصوص مواد غذایی در فصل برداشت محصولات کشاورزی باعث شده که تولید داخلی لطمه بخورد.نکته دیگری که لازم است به آن توجه شود، تجربه حمایت های خاص از صنایع کشور مانند خودروسازی است، خوشبختانه از طریق تعرفه ۱۰۰ درصدی و ۹۰ درصدی در سال های اخیر و با وجود قانون خودرو، تولید خودرو کشور نه تنها سالی ۱.۵ میلیون دستگاه از نیاز داخلی را تامین می کند و میلیون ها شغل مستقیم و غیر مستقیم در رابطه با خودروسازی و خدمات آن مشغول به کار هستند وهزاران میلیارد تومان گردش مالی دارد، بلکه امروز به یکی از صادرکنندگان موفق به کشورهای همسایه مانند عراق و آفریقا وبلاروس و سوریه و... تبدیل شده ایم.لذا شایسته است که حمایت تعرفه ای از برخی صنایع مانند نساجی و کفش و صنایع چرم ...نیز مورد توجه قرار گیرد. زیرا ایران در گذشته که موج واردات کالای خارجی را شاهد نبوده نه تنها قادر به تامین نیاز خود بوده بلکه صادرات نیز داشته است و به جای اجناس بنجل و بی کیفیت وارداتی، از اجناس زیبا و با کیفیت داخلی مانند پارچه ها و کفش های عالی ایرانی بهره مند بوده است.براین اساس، باید توجه داشته باشیم که حمایت از برخی صنایع نه تنها باید از طریق تعرفه در کوتاه مدت انجام شود بلکه امید است که با حمایت های دیگر از طریق رشد نرخ ارز متناسب با تورم و... اجازه ندهیم که واردات تولید داخلی را تضعیف کند.اگر سیاست های تعرفه ای، نرخ ارز و... تنظیم شود حتی اجناس قاچاق نیز قادر نخواهد بود که تولید داخلی را تضعیف کند.بسته بندی و بازاریابی مناسبنکته دیگر، ضرورت توجه به بسته بندی و بازاریابی مناسب است زیرا در حال حاضر بسیاری از تولیدات ایرانی مانند چای با کیفیت شمال ایران، به خاطر بسته بندی و عدم معرفی برند مناسب، بازار کوچکی دارند در حالی که چای خارجی به صورت رسمی و قاچاق وارد کشور شده و با برندهای مختلف و با کیفیت پایین و همراه با انواع اسانس

نامناسب وارد کشور می شود.در حالی که اهل نظر و متخصصان می دانند که چای ایران بسیار بهتر از چای خارجی است و اگر چه ذائقه بازار برگشته و به سمت چای خارجی متمایل شده اما تبلیغات و بسته بندی مناسب می تواند سلامت مردم و حمایت از تولید داخلی را به همراه داشته باشد.انضباط مالی دولت و کاهش وابستگی به دلار نفتیهمچنین تنظیم سیاست های پولی ومالی دولت باید به گونه ای باشد که نیاز به رشد واردات برای تامین ریالی بودجه خود نداشته باشد و این مهم باید در سال های آینده از طریق تامین ریال بودجه از طریق رشد مالیات ها و رشد درآمد حاصل از فروش فرآورده نفتی تامین شود نه از طریق واردات کالا و خروج ارز نفتی بابت کالای خارجی و فروش کالای خارجی در داخل به ریال و ...اگر بودجه دولت درست تنظیم شود نقش کنترل واردات در حمایت از تولید ملی می تواند بسیار موثرتر از زمان فعلی باشد.اگر چه دولت پیش بینی کرده که با رشد مالیات ها، رشد درآمد هدفمندی یارانه ها و... نیاز به نفت و واردات با ارز نفتی کمتر خواهد شد اما لازم است که در شرایط کنونی حداقل از میزان وابستگی بودجه به نفت کمتر شودهمچنین برای آن که رقابت در بخش خصوصی شکل بگیرد و قدرت رقابتی افراد و شرکت های شایسته ارتقا یابد باید شرایطی فراهم شود که دولت به عنوان رقیب بخش خصوصی در بسیاری از عرصه ها، جای خود را به بخش خصوصی بدهد و با خصوصی سازی و واگذاری شرکت ها و از همه مهمتر با هدایت بودجه دولتی به سمت عمران و وظایف حاکمیتی، زمینه حضور بخش خصوصی تقویت شود.نهادسازی قانونی و مدنیمهمترین حرکت در راستای حمایت از تولید ملی وجهاد اقتصادی، نهادسازی قانونی و مدنی و ایجاد تشکل های متناسب با این حرکت بزرگ در جامعه است و مهمترین قانون و نهاد در اقتصاد، آزادسازی قیمت ها و به کار گیری تدبیر دولت در بازارهای مختلف است تا از این طریق شاخص ها و نرخ ها و عملکرد اقتصاد گردانان به خصوص بخش خصوصی و سرمایه گذاران ، به درستی تنظیم شود و انگیزه لازم برای رشد پس انداز جامعه و سرمایه گذاری فراهم شود.کارگر بیکارداریم پس قوانین کار را ساده تر کنیمبه عنوان مثال در جامعه ای که بیکاری ۳ میلیون نفری دارد و مزیت های بسیار مانند نفت و گاز و گردشگری دارد، مکانیسم به کارگیری نیروی کار باید مشوق افزایش کارگر بیشتر در کارگاه ها و کارخانه ها باشد. اولا صنایع و کارخانه ها و هتل ها و خدمات در راستای به کار گیری مزیت های نفت وگاز و گردشگری گسترش یابد و دوما، نرخ دستمزد و قوانین کار نباید به شکلی باشد که کارگر کمتر استخدام شود و در عوض ماشین آلات بیشتر به کار بگیریم.به عبارت دیگر، در جامعه ای که بیکاری دارد باید کارگر بیشتر به کار بگیریم و سرمایه کمتر مصرف کنیم. در حالی که این روند در سال های اخیر برعکس بوده و نرخ دستمزد و وقوانین کار را سخت گیرانه تنظیم کرده ایم و نرخ سرمایه یا نرخ بهره و نرخ ارز را کاهش داده ایم تا از پول و واردات و ماشین آلات بیشتر استفاده کنند .در نتیجه تمایل به استفاده از وام بانکی، ماشین آلات، ارز، واردات کالا و مواد اولیه و ماشین آلات وارداتی بیشتر شده است و تمایل به استفاده از نیروی کار و کارگر را کم کرده ایم.به عبارت دیگر در سرزمینی که نیروی کار فراوان، زمین فراوان و آب کم و سرمایه کم داریم باید نرخ ها به سمتی برود که از زمین و نیروی کار بیشتر استفاده کنیم و از آب و سرمایه کمتر استفاده کنیم تا تولید با بهره وری بیشتر همراه شود.به عنوان مثال، در امور خدماتی شهری، باید مانند گذشته از نیروی کارگر ایرانی استفاده کنیم و خیابان های شهر را نیروی انسانی مرتب و نگهداری کند و از ماشین الات کمتر بهره ببریم . همچنین وقتی آب کم داریم باید به جای کاشت چمن که آب زیاد نیاز دارد، درخت بکاریم و درختان ایرانی مانند توت و انار و... که آب کمتری نسبت به چمن نیاز دارد، در خیابان ها و کوچه ها بکاریم و درختان فعلی را حفظ کنیم واجازه شکستن آنها را ندهیم.دفاع از تولید ملی، از کاشتن درخت و حفظ درخت به عنوان سمبل زندگی اقتصادی ایرانیان شروع می شود و تا تنظیم نرخ ارز و تعرفه وبودجه وواردات را شامل می شود.نکته دیگر و از همه مهمتر این است که امسال برای حمایت از تولید ملی، هر سیاست و توصیه و برنامه ای که دولت و کارشناسان و مردم دنبال می کنند، نباید سال بعد یا سال های بعد فراموش شود و نباید به طور تصادفی، از شانس رشد قیمت نفت و هزینه سوخت و رشد نرخ ارز که منجر به کاهش واردات و افزایش صادرات غیر نفتی شده است استفاده کنیم و بلافاصله در

سال های بعد، حمایت از تولید ملی را فراموش کنیم .شانس افزایش نرخ ارز و قیمت نفتاگر اقتصاد ایران با شانس رشد نرخ ارز و قیمت نفت مواجه شده و باعث رشد صادرات غیر نفتی و کاهش واردات و به نفع تولید ملی تمام شده است، باید در سال های بعد نیز نرخ ارز متناسب با تورم افزایش یابد تا تولید ملی بتواند با واردات کالای خارجی رقابت کند و یا از طریق تنظیم تعرفه و سیاست های دیگر، قدرت رقابتی تولید داخلی تقویت شود.بیانات مقام معظم رهبری و سخن گفتن از ضرورت حمایت از تولید ملی تنها به یک سال محدود نمی شود و الگوی مصرف، جهاد اقتصادی و حمایت از تولید ملی را نباید در سال های بعد فراموش شود بلکه باید الگوی اقتصادی ایران و مبنای برنامه ریزی ها باشد و باید به خاطر داشته باشیم که حمایت از تولید ملی به چند سال پی درپی نیاز دارد.زیرا امسال که دولت برنامه هایی برای حمایت از تولید اجرا می کند، سرمایه گذار یک سال بعد، آن را باور می کندو سرمایه گذار داخلی و خارجی، سرمایه خود را به کار می گیرند تا چند سال بعد با به کار گیری متخصصان و نیروی کار و.... شاهد رشد تولید ملی باشیم.اگر امسال سیب زمینی و پیاز و سایر محصولات، بازار مناسب و قیمت مناسب وانبارداری خوبی داشته باشند کشاورز به طور طبیعی تشویق به تولید می شود و... لذا برای آن که عوامل تولید و پس انداز کننده و سرمایه گذار ایرانی و خارجی، در جهت حمایت از تولید ملی گام بردارند لازم است که از رسانه ها و صدا و سیما گرفته تا مسوولان کشور، سیاست ها وقانون و اجرا را به گونه ای سامان دهند که عوامل بازار از کارگر گرفته تا تولید کننده و مصرف کننده در جهت حمایت از تولید قدم بردارند و در این جهت، توجه به ادبیات و توصیه های علم اقتصاد ضرورتی انکار ناپذیر است و این وظیفه مسوولان اجرایی کشور است که سخن و تدبیر مقام معظم رهبری را با مکانیزم های اجرایی وقانونی تحقق ببخشند.بدون شک ملت ایران علاقه مند به تولید ملی و اشتغال فرزندان خود هستند اما اگر کیفیت کالا و قیمت و سایر سیاست های دولت و مجلس، بهبود نیابد، تمایل به مصرف کالای خارجی ادامه خواهد یافت.اجناس با کیفیت ایرانی کجاست؟البته لازم است یادآور شویم که در بسیاری از موارد کالای ایرانی به خارجی برتری دارد اما نبود بسته بندی مناسب و نبود شبکه توزیع کالای مناسب باعث شده که کالای بنجل خارجی با سود خوب برای فروشنده جای کالای با کیفیت و زیبای ایرانی را بگیرد.وقتی در بازار شب عید از خود سوال می کنیم که چرا از پوشاک با کیفیت ایرانی خبری نیست بلافاصله باید پاسخ دهیم که برای معرفی برندهای معتبر، نرخ سود مناسب، بسته بندی مناسب، ایجاد شبکه توزیع و نظارت مناسب چه کرده ایم تا چه حد مارک ها و برندهای معتبر ایرانی را تشویق کرده ایم و تا چه حد به خرید اجناس بنجل وبی کیفیت خارجی بها داده ایم .

منبع : خبر اقتصادی

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن

خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».